

### بیانات در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم / ۱۳۴۸/۰۹/۰۷

این‌ها، راجع به اسلام‌کارشناس و متفکر دارند که می‌نشینند بررسی می‌کنند و در باره ملت‌ها و اندیشه‌ها و روحيات و مذاهب گوناگون، پرونده‌هایی درست می‌کنند و در مراکز تحقیقاتی و فرهنگی و جاسوسی و سیاسی خود، تمام آن پرونده‌های آرشیو شده را دو مرتبه مطرح می‌کنند و کارهای تحقیقاتی جدید انجام می‌دهند. اینکه می‌شنویم در اسرائیل، سمیناری تحت عنوان «شناخت اسلام و تشیع در ایران» برگزار می‌شود، به همین معنا و در همین جهت است. در بسیاری از جاهای دنیا، سمینارها و جلسات تحقیقاتی‌ای توسط دنیای غرب و سرمایه‌داری و استکبار تشکیل می‌شود و تره‌های گوناگونی برای بازنگری به اسلام مطرح می‌گردد. استکبار، همه وجودش را اندیشمندانه در جهت اداره مطلوب خودش به کار می‌گیرد و کاملاً با فکر حرکت می‌کند و جریانات جهانی را هدایت می‌نماید تا محفوظ بماند؛ چون می‌داند که اگر فکر و پیش‌بینی و آینده‌نگری نکرد و اگر آمار نداشت، ضربه خواهد خورد. عالی‌ترین و ممتازترین دستگاه‌های فکری، در اختیار استکبار است. این‌ها، از پانزده یا بیست سال پیش، برای مسائل بلند مدت سرمایه‌داری، فکر و طراحی می‌کنند و نقشه می‌ریزند تا در آینده از آن جواب بگیرند.

### بیانات در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم / ۱۳۴۸/۰۹/۰۷

انقلاب اسلامی، ناگهان تمام موجودیت و نظام ارزشی دستگاه استعماری غرب و دنیای سرمایه‌داری را زیر سوال برد. یعنی آینده‌شان را کلاً تهدید کرد و ابهامی به آینده آن‌ها داد؛ چون این انقلاب بر مبنای اسلام بود و نتیجتاً هرچا مسلمانی باشد، ممکن است این انقلاب بالقوه در آنجا تحقق پیدا کند. بعد هم مرتب نمونه‌های آن را از افغانستان گرفته تا انونزی و مالزی و مصر و تونس و حتی در کشورهایی که سیستم‌های به اصطلاح انقلابی دارند- مثل الجزایر یا لیبی- دیدند و مشاهده کردند که همین اسلام در آن جاها سر بلند کرده است و هل من مبارز می‌گوید و آینده را ترسیم می‌کند. این‌ها، احساس وحشت کردند و تمام دنیای سرمایه‌داری و استکباری دست به هم دادند، برای اینکه در مقابل اسلام بایستند. البته، دنیای سوسیالیسم به گونه‌ی دیگر مقابله می‌کرد؛ منتها مثل غربی‌ها ابزار لازم اندیشمندی و آینده‌نگری و توجه را در اختیار نداشت. این، رشته‌ای از تمدن صنعتی و مسالهی آمار و آرشیوها و آینده‌ها و حدسیات است که شرقیها به همان نسبت که در کار صنعتی عقبنده، در این قضیه هم از غربی‌ها عقبند. علاوه بر این، آن‌ها اشتراک منافع نیز با این انقلاب حس می‌کردند؛ چون می‌دیدند غرب صدمه می‌خورد. آن‌ها، خیال می‌کردند که برایشان خوب است؛ ولی حالا دیگر همه چیز یک‌کاسه شده و بلوک غرب و شرق معنا ندارد و آرزوها و ایده‌آل‌های مارکسیستی و سوسیالیستی تمام شده است و چند کشور منزوی بخت برگشته- مثل آلبانی و رومانی و ... باقی مانده‌اند که این‌ها هم چیزی بارشان نیست. ما رومانی را از نزدیک دیده‌ایم و می‌دانیم که آنجا چه خبر است. اصلاً چیزی نیستند و واقعا نمی‌شود گفت که این‌ها هستند، پس دنیای سوسیالیسم وجود دارد! امثال کوبا و کشورهای ضعیف عقب‌مانده هم که دیگر اصلاً قابل ذکر نیستند. تنفس آن‌ها هم با اجازه روسها و اربابهای شرقی بود.

### بیانات در دیدار افشار مختلف مردم قم / ۱۳۴۸/۱۰/۱۹

ما خواسته‌ایم که در میان ظلمات جاهلیت قرن بیستم، خورشید فروزان اسلام را به درخشش درآوریم. ما خواسته‌ایم در هنگامی که نسل‌های بشر، از مکتبهای گوناگون- از سرمایه‌داری پلید غرب تا کمونیسم ملحد شرق- دلزده شدند، بتوانیم مکتب حیات‌بخش و راه زندگی سالم و مطلوب و شیرین را به بشر نشان بدهیم و آن، حیات طبیعی اسلامی است. تقریباً در طول این یازده سال، هرچه و در هر قسمتی که ما در راه اسلام پیش رفتیم، در همان قسمت زندگی شیرین شده است و در هر بخشی که توفیق پیدا نکردیم در جهت اسلام حرکت نکنیم، در آن بخش زندگی سخت و تنگ و تلخ باقی مانده است.

### بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۴۸/۱۱/۰۹

خیلی‌ها در دنیا خواستند فقر را ریشه‌کن نکنند اما از چه طریقی استفاده کردند؟ همه‌ی حرف سر این طریقه‌هاست. مثلاً از همین روش سوسیالیسم استفاده کردند، ولی دیدید که این روش غلط از آب درآمد. آن‌هایی که از اول روش سوسیالیسم را اختراع کردند، شاید- و یا حتما- قصد سویی نداشتند؛ بلکه فکر می‌کردند کار و راه آن‌ها درست است. گفتند بیایم همه‌ی سرمایه‌ها را از مردم بگیریم و به دست دولتی که منابع را عادلانه تقسیم می‌کند، بدهیم تا سرمایه‌داری برافند. آن‌ها غافل بودند که دولت هم متشکل از یک عده انسان است که آن‌ها هم مثل همان سرمایه‌دارها، همان احساسات را دارند. بعد از مدتی، حتی به چیزی برضرت و بیکاره‌تر از آن سرمایه‌دارها تبدیل شدند.

### بیانات در دیدار روحانیون و انمهی جمعه و جماعات استان مازندران / ۱۳۴۹/۰۲/۲۳

فلسفه‌ی مارکسیسم، یکی از آن‌هاست که سروصدای بیشتری پیدا کرد. بقیه‌ی مکتبهای فلسفی، اجتماعی رایج و سربرداشته‌ی در قرن نوزدهم و بیستم، جهت و گرایش خالص و یا غالب مادی و غیر مذهبی و ضد مذهبی دارند. این گرایش غیر معنوی و ضد معنوی، مثل جریانی که از کم شروع می‌شود و لحظه‌به‌لحظه اوج می‌گیرد و فراگیری پیدا می‌کند، در زندگی و افکار و خانواده و ارتباطات درون اجتماعی مردم وارد شد. در کنار این جریان فکری، سیاستها حرکتی را مستقلاً به سمت ضدیت با دین و معنویت شروع کردند. بعضی از این سیاستها، علی‌الظاهر به این فلسفه‌ها هم کاری نداشتند. البته کسانی هستند نمی‌خواهم حالا این فکر را مطرح کنم، اما بدانید و شاید هم می‌دانید که معتقدند اصلاً تفکرات مادی و لو چپ‌ترینش مخلوق و محصول فکر سیاستمدارهاست، نه فلاسفه. می‌گویند: اصلاً همه‌ی این بساطها و جنجالها، یک کار سیاسی به معنای حقیقی بود؛ یک کار اقتصادی در جهت پیشرفت ثروتها و سرمایه‌ها و بساط سرمایه‌داری در دنیا بود که روز به روز اوج می‌گرفت. علی‌ای‌حال، سیاستها هم در جهت ضدیت با معنویت افتادند و روز به روز این تضاد بیشتر شد.

### پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۴۹/۰۳/۱۰

بعضی از رسانه‌های مغرض خارجی اصرار دارند وانمود کنند که پایبندی به اصول انقلاب، به معنای دوری از رفاه عمومی و علاج نکردن مشکلات طبقات ضعیف و مستمند است. این حرف از کسانی صادر می‌شود که دهها سال جوامع خود را در سایه‌ی سنگین تفکر کمونیستی، به راهی بدبختی‌زا سوق داده‌اند. درحالی‌که سران آن کشورها مانند کشورهای سرمایه‌داری، غرق در زندگی اشرافی بودند، طبقات پایین جامعه در انواع سختیهای مادی و معنوی به سر می‌بردند. در نظام اسلامی، رفع فقر و محرومیت، در شمار هدفهای طراز اول است و پایبندی به اصول انقلاب، بدون مجاهدت در راه نجات مستضعفان و محرومان، سخنی بی‌معنی و ادعایی بوج است.

### بیانات در دیدار مسئولان بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی / ۱۳۴۹/۰۷/۲۳

اگر کسی گفت که بنیاد راکفلر مثلاً به وضعیت چهار نفر فقیر رسیدگی می‌کند، باور نکنید؛ اصلاً چنین چیزی ممکن نیست. آن پولی که از آن طریقها به دست می‌آید و محصول شیوه‌های کثیف سرمایه‌داری موجود دنیا است، اصلاً نمی‌تواند در خدمت اهداف انسانی قرار بگیرد. اگر فرضاً به فقیری هم کمک بکنند می‌کنند، آخر این بنیادها این‌طور چیزهایی دارند چنانچه به عمقش بروید، می‌بینید که خراب مصرف می‌شود؛ مثل آبی است که در چاه فاضلاب می‌ریزد؛ لذا پول باید صحیح و نظیف باشد، تا به درد پرکردن خلثی که در جامعه‌ی اسلامی وجود دارد، بخورد. مسالهی ما این است.

### پیام به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی / ۱۳۶۹/۰۸/۱۳

اردوگاه «استکبار سرمایه‌داری»، از سر برآوردن نیروی اسلامی، متوحش و به شدت نگران است و آن را زنگ خطری برای بهره‌برداری نامشروع خود از مظاهر حیاتی همه‌ی عالم، بلکه برای ادامه‌ی حیات خود می‌داند. اگر کسانی تصور کنند که امریکا که خود مرکز اصلی این اردوگاه پرفتنه و فساد است، ممکن است با نظام اسلامی که مظهر حیات مقتدرانه‌ی اسلام است، سر آشتی و مساعدت داشته باشد، بسی ساده‌لوحانه اندیشیده‌اند.

### پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۷۰/۰۳/۲۶

حج همچنین مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان است. این‌که خداوند متعال همه‌ی مسلمانان و هرکه از ایشان را که بتواند، به نقطه‌ی خاص و در زمانی خاص فرا می‌خواند و در اعمال و حرکاتی که مظهر همزیستی و نظم و هماهنگی است، آنان را روزها و شبهایی در کنار یکدیگر مجتمع می‌سازد، نخستین اثر نمایانش، تزریق احساس وحدت و جماعت در یکایک آنان و نشان دادن شکوه و شوکت اجتماع مسلمین به آنان و سیراب کردن ذهن هر یک تن آنان از احساس عظمت است. با احساس این عظمت است که مسلمان اگر تنها در شکاف کوهی هم زندگی کند، خود را تنها حس نمی‌کند. با احساس این حقیقت است که مسلمین در هریک از کشورهای اسلامی، شجاعت برخورد با اردوگاه ضدیت با اسلام، یعنی همین سلطه‌ی سیاسی، اقتصادی دنیای سرمایه‌سالاری و عوامل و ابادی آن و نیرنگ و فتنه‌گری آن را می‌بایند و افسون تحقیر - که اولین سلاح استعمارگران غربی در برابر ملل مورد تهاجمشان بوده و هست - در آنان نمی‌گیرد. با احساس این عظمت است که دولتهای مسلمان با تکیه به مردم خود، از تکیه به قدرتهای بیگانه خود را بی‌نیاز حس می‌کنند و این فاصله‌ی مصیبت‌بار میان ملت‌های مسلمان با دستگاه‌های حاکم بر آنان پدید نمی‌آید. با احساس این وحدت و جماعت است که نیرنگ استعماری دیروز و امروز - یعنی احیای احساسات افراط‌آمیز ملی‌گرایی - این فاصله‌ی وسیع و عمیق میان ملت‌های مسلمان را پدید نمی‌آورد و قومیت عربی و فارسی و ترکی و آفریقایی و آسیایی، به‌جای آن‌که رقیب و معارض هویت واحدی اسلامی آنها باشد، بخشی از آن و حاکی از سعوی وجودی آن می‌گردد؛ و به جای آن‌که هر قومیتی، وسیله و بهانه‌ی نفی و تحقیر قومیت‌های دیگر شود، وسیله‌ی برای نقل و انتقال خصوصیات مثبت تاریخی و نژادی و جغرافیایی هر قوم به سایر اقوام اسلامی می‌گردد.

### بیانات در دیدار اعضای ستاد پیگیری قطعنامه‌ی ۵۹۸ / ۱۳۷۰/۰۹/۳۰

امروز شاید تصور غربی‌ها یا لاف‌ل تبلیغاتشان این است که اتحاد جماهیر شوروی به خاطر شکست تجربه‌ی سوسیالیسم به این نتیجه رسید که آن اقتصاد غلط بود؛ بعد از هفتاد سال فهمید که این اقتصاد درست است؛ یعنی فروپاشی نظام سوسیالیسم را به پای یک تجربه‌ی دیگر، یا تجربه‌ای برای بیان استحکام مبنای جوامع سرمایه‌داری به حساب آوردن! این غلط است؛ به هیچ‌وجه این محاسبه درست نیست؛ اصلاً ربطی به این قضیه ندارد؛ مسئله بایستی جای دیگر علت‌یابی و علت‌جویی بشود؛ مساله‌ی دشمنی با دین و بریده شدن از ایمان معنوی است. در هر جا و به هر اندازه که این عامل منفی وجود داشته باشد، به همان اندازه تلاشی و نابودی منتظرش است. البته عرض کردم، نباید تصور کرد که فردا باید اتفاق بیفتد. آن کشورهایی هم که به شکل دیگری اگرچه نه با آن نمودارها و نمادها با دین مقابله می‌کنند، باید منتظر چنین وضعی باشند. این قرن آن‌طور که به چشم می‌خورد ان شا الله قرن گرایش عمومی بشریت به سمت معنویت و به سمت دین است.

### بیانات در دیدار جمعی از فضایی حوزه‌ی علمیه‌ی قم / ۱۳۷۰/۱۱/۳۰

مبنای سیاست سرمایه‌داری بر این نیست که همه‌ی انسانها بایستی مستغنی باشند و فقیر نباشد. آنها اگر فقیر را غنی می‌کنند، به خاطر این است که فقیر باید برایشان کار کند؛ ولی فقری که برای آنها کار نمی‌کند، می‌گویند بگذار بمیرد! چنانچه سرمایه‌داران و کمپانیها و تراستها نتوانستند آدم ولگرد و بیکار را به کار بگیرند یعنی لازمش نداشتند اگر به آنها بگویند آیا دلتان می‌خواهد به شما یک آمبول بدهیم بزنید و این افراد را از بین ببرید، می‌گویند بله، بدهید بزنیم! بنابراین، برای آنها مسئله این است؛ اما برای ما مسئله غیر از این است. ما می‌گوییم نه فقط انسانی که در این کشور هست منتها نسبت به انسان این کشور، ما یک مسئولیت فوری‌تر داریم بلکه همه‌ی مسلمین در عالم، به یک معنا عایله‌ی ما هستند. اگر از مسلمین هم فراغت پیدا کردیم، همه‌ی گرسنگان دنیا در صورتی که محارب نباشند عایله‌ی ما هستند؛ این مسئله، مساله‌ی اعتقادی است. کشورهای غربی و پیشرفته‌ی اقتصادی، نخواهند توانست بکلی فقر را برطرف کنند؛ اما جمهوری اسلامی در این جهت حرکت می‌کند و ان شا الله به اینجا خواهد رسید. آمار بی‌سوادی به شدت پایین آمده است. آمار مشکلات طبقات پایین در مناطق گوناگون کشور، به شدت پایین آمده است؛ البته سطح زندگی بالا رفته و توقعات بیشتر شده است.

### پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۷۱/۰۳/۱۳

تبلیغات استکباری بر ضد اسلام که بخشی از حمله‌ی صلیبی جدید است، چنین وانمود می‌کند که اسلام قادر بر سازماندهی زندگی سیاسی و اقتصادی ملت‌های مسلمان نیست و ملت‌های مسلمان چاره‌ای جز این ندارند که با معیارها و شکل و محتوای حکومتها و نظام‌های سرمایه‌داری غرب زندگی کنند! این، یک ترفند و دروغ مزورانه است که برای وابسته کردن کشورهای اسلامی به اردوگاه استکباری غرب و استثمار منابع مادی آن طراحی شده و سالها است تبلیغ می‌شود. نظام سرمایه‌داری غرب، تا گلو در مشکلات انسانی لاینحل فرورفته و با وجود ثروتهای فراوانی که در اختیار دارد، از استقرار عدالت اجتماعی، به کلی ناتوان مانده است. شورش اخیر سیاهان در امریکا، نشان داد که نظام امریکا نه فقط نسبت به ملت‌های آسیا و آفریقا و امریکا لاتین، که نسبت به ملت خود نیز با بی‌عدالتی عمل می‌کند و در اینجا نیز مانند آنجاها، اعتراض را با خشونت و سرکوب پاسخ می‌دهد. درست است که اردوگاه کمونیزم متلاشی و نابود شد، اما رقیب آن، یعنی اردوگاه سرمایه‌داری هم، با وضع فعلی و بخصوص با غرور و طغیانی که پس از یک‌تاز شدن در میدان قدرت بدان دچار شده، ماندنی نیست و دیر یا زود، دنیا شاهد سقوط و متلاشی شدن آن نیز خواهد بود.

### بیانات در دیدار مردم استان چهارمحال و بختیاری / ۱۳۷۱/۰۷/۱۵

طبق آیه‌ی قرآن که فرمود: «و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین»، انسان می‌فهمد جهت حرکت کلی ادیان الهی، به سمت رفع استضعاف و محرومیت است. این است که اسلام و پرچم دین را، از پرچم‌های فرهنگها و تمدنها و ایدئولوژی‌ها و مکاتب گوناگون، به کلی متمایز می‌کند؛ سعی برای طبقه‌ی محروم. امروز در دنیای سرمایه‌داری و کشورهای که زیر سلطه‌ی استکبار جهانی است، حرکت به سمت رشد پول‌داران و سرمایه‌داران است؛ و آنچه به فکر آن نیستند، طبقات محروم است. اگر یک‌وقت کمکی هم به محرومین بشود، برای این است که بتوانند از آنها به نفع پول‌داران و سرمایه‌داران استفاده کنند. مبنای اقتصاد امروز دنیای سرمایه‌داری و استکبار، بر این است. در طول زمان هم، همیشه سلاطین و قدرتمندان و مستکبران، بر همین روال حرکت کرده‌اند. اما اسلام این را نمی‌گوید. اسلام می‌خواهد محرومیت از روی زمین و بخصوص در جوامع اسلامی، برداشته شود. آنچه که دین خدا حاکم است، باید محرومیت نباشد. انسانها باید از مواهب الهی برخوردار شوند، تا بتوانند در یک محیط مناسب و مساعد، خود را به کمال برسانند. عدل در جامعه باید مستقر شود. این، شعار اسلام است و شعاری است که دنبال آن، عمل است و شعاری است که برای توده‌های مظلوم و محروم عالم، دارای جاذبه است. نه مثل آن سوسیالیست‌ها و کسانی که دم از طرف‌داری از محرومین می‌زدند؛ اما هفتاد سال کشورها و ملت‌ها و جوامع را معطل کردند و روز به روز آنها را عقبتر راندند.

### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۱/۱۰/۱۷

بسیاری از کشورها در دنیا وجود دارند که خیلی ثروتمندند. نگاه کنید به کشورهای سرمایه‌داری دنیا! نگاه کنید به بعضی از کشورهایی که سرمایه‌های عظیم الهی در زیر خاکهای آنهاست و حکامشان بیرون می‌آورند و بی‌محابا می‌فروشند و پولهایش را خرج می‌کنند! این‌ها ثروتمندند. کشورهای سرمایه‌داری، طبق آنچه که معمول بین اقتصادیان است، وقتی سرانه‌ی کشوری را محاسبه و ملاحظه می‌کنند، خودشان ده برابر کشورهای متوسط سرانه دارند. معنای این چیست؟ آیا معنایش این است که همه‌ی مردم آن کشورها از این سرانه برخوردارند؟ ابداً معنایش این نیست! اگر شما در بعضی از کشورهای سرمایه‌داری، جلوه‌های ثروت، از جمله کارخانه‌های عظیم، آپارتمانها و ساختمانهای سربه‌فلک کنشیده را می‌بینید؛ اگر ثروتهای زیاد و پولهای افسانه‌ای را ملاحظه می‌کنید، آیا به این معناست که در این کشورها عدالت وجود دارد؟ خوب؛ معلوم است که از عدالت خبری نیست! در همین کشورها کسانی هستند که از گرسنگی، از بی‌داری و از نبود مسکن، به شدت در رنجند و بعضی به دلیل همین کمبودها و ناراحتیها، در همان کشورها می‌میرند.

#### بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری / ۱۳۷۲/۰۵/۱۲

اساس در نظام اسلامی، عبارت است از رفاه عمومی و عدالت اجتماعی. فرق عمده‌ی ما با نظامهای سرمایه‌داری همین است. در نظامهای سرمایه‌داری، اساس، رشد اقتصادی و شکوفایی اقتصادی و ازدیاد و تولید ثروت است. هرکه بیشتر و بهتر تولید ثروت کند، او مقدم است. آنجا مسئله این نیست که تبعیض یا فاصله پیش آید. فاصله در درآمدها و نداشتن رفاه جمع کثیری از مردم، نگرانی نظام سرمایه‌داری نیست. در نظام سرمایه‌داری، حتی تدابیری که ثروت را تقسیم کند، از نظر نظام سرمایه‌داری، تدابیر منفی و مردودی است. نظام سرمایه‌داری می‌گوید: «معنی ندارد که ما بگوییم ثروت جمع کنید تا آن را از شما بگیریم تقسیم کنیم! این معنی ندارد. اینکه شکوفایی نخواهد شد!» ولی رشد اقتصادی برای عدالت اجتماعی و برای رفاه عمومی، مسأله‌ی اول نیست. آنچه در درجه‌ی اول است، این است که فقیر در جامعه نباشد؛ محروم نباشد؛ تبعیض در استفاده از امکانات عمومی نباشد. هرکس برای خودش امکاناتی فراهم کرد، متعلق به خود اوست. اما آنچه که عمومی است مثل فرصتها و امکانات متعلق به همه‌ی کشور است و باید در این‌ها تبعیض وجود نداشته باشد. معنی ندارد که یک نفر پای خود را بگذارد روی دوش مامورین دولتی و با ترفند و خدای ناکرده با اعمال روشهای غلط، امتیاز بگیرد، رشدی افسانه‌ای بکند و بعد بگوید: «آقا، من ثروت را خودم به دست آورده‌ام.» در نظام اسلامی، چنین چیزی را نداریم. ثروتی که بر پایه‌ی صحیحی نیست، از اصل نامشروع است.

#### بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم / ۱۳۷۲/۰۴/۲۹

امروز در دنیا کسی به ترور متوسل می‌شود که منطقی ندارد. پس بیهوده به خودشان زحمت ندهند که بخواهند جمهوری اسلامی را متهم کنند. اتهام تروریسم زدن به جمهوری اسلامی، حرف چرند و بی‌فایده‌ای است. جمهوری اسلامی به ترور احتیاج ندارد. خود شما می‌گویید که شعارهای انقلاب اسلامی، مصر و الجزائر و کجا و کجا و کجا را به هم ریخته است. ما که در این کشورها حضور نداریم. این، حرف و فکر ماست که در این سرزمینها رسوخ کرده است. خود شما می‌گویید که تفکرات اسلامی ایران، در دنیا، خطر بزرگی برای سرمایه‌داری غرب و قدرتهای غربی به حساب می‌آید. مگر خود شما این را نمی‌گویید؟ پس، این فکر و اندیشه‌ی ماست که به همه جا می‌رود و دلها را متحول می‌کند. دولت‌های غربی، از ترسشان اجازه نمی‌دهند که افکار ما، در غرب منتشر شود. آیا با این اوصاف، ما احتیاج به ترور داریم؟! ما که از چنین سلاح برایی- فکر و اندیشه- برخورداریم.

#### بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۷۲/۰۸/۱۰

این علم را باید آموخت. برای همه راه باز است که دین را یاد بگیرند و از آن استنباط کنند؛ اما استنباط از دین یک روش علمی دارد و کار عامیانه‌ای نیست. هرکس از هر جا رسید نمی‌تواند از قرآن و سنت استنباط کند. دانش اصلی روحانیت، فقه است. البته فلسفه و عرفان اسلامی نیز هست که هر دو به معنای وسیع فقه است، داخل در فقه هستند. اگر روش فقه است را از میان بردارند، دیگر چیزی از دین باقی نمی‌ماند. عده‌ای از آن طرف می‌آمدند و دین را با تفکر مارکسیستی تفسیر می‌کردند. این عده ظاهر اسلامی و باطن مارکسیستی داشتند و از این جهت منافق بودند. وقتی کتاب آنها را در مقابل کتابهای فکری و نوشته‌های ایدئولوژیک حزب توده و گروه‌های کمونیستی می‌گذاشتیم، باهم مو نمی‌زدند. این شباهتها در زمینه‌های اقتصادی، تاریخ، فلسفه‌ی تاریخی و اقتصاد سوسیالیستی چشمگیر بود. تفاوت در این بود که این عده اسم خدا و پیغمبر را به کتابهایشان اضافه کرده بودند. وقتی دین، مفسر و متصدی و متولی رسمی نداشته باشد، کار به اینجا می‌رسد که عده‌ای از راه می‌رسند و دین را با تفکر مارکسیستی و یا دمکراسی و سرمایه‌داری غربی تطبیق می‌دهند. امروز در دنیا کسانی هستند که اسلام- و نه مطلق دین- را درست با آنچه که شرکتها و کمپانیهای بزرگ می‌خواهند، تطبیق می‌دهند. اگر روحانیت وجود داشت، این طور نمی‌شد. البته همواره روحانیت احتیاج به اصلاحات داشته است.

#### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۲/۰۹/۲۹

نظامهای سرمایه‌داری در دنیا، دنبال آبادی، عمران و پیشرفت علم و صنعت در کشورهايشان رفتند؛ بدون اینکه به اصل عدالت اجتماعی، اهتمام قابل اعتنایی داشته باشند. البته خیلی از آن هدفها را توانستند کسب کنند؛ مانند کسب علم، زندگی راحت، فناوری پیشرفته، زندگی لوکس و کسب قدرت نظامی. این‌ها به‌دست آمد و این هم وعده‌ی الهی است. خداوند متعال وعده فرموده است که هر ملتی، چنانچه به‌طور جدی به دنبال هر هدفی حرکت کند، به آن هدف خواهد رسید(۱). در این، شک نیست. آن‌هایی هم که به‌طور جدی حرکت کردند، به همان مقدار، به این ظواهر زندگی؛ یعنی به ثروت جامعه، قدرت نظامی و قدرت و پیشرفت علمی رسیدند؛ اما در زندگی‌شان، سعادت‌مند نشدند. در آن کشورها، دردهای بشریت، تمام نشده است. ثروتی که در آن جامعه هست، عده‌ای از افراد جامعه را برخوردار کرده است؛ اما نتوانسته‌اند تبعیض را برطرف و عدالت اجتماعی را برقرار کنند. حتی برای کسانی هم که از زندگی راحت برخوردارند، نتوانستند راحتی حقیقی، آرامش روحی و زندگی خوش به وجود آورند. آب خوش از گلویشان پایین نمی‌رود. انواع و اقسام گرفتاریها، گریبان آنها را گرفته است. البته بعضی از گرفتاریها فوری ظاهر می‌شود و بعضی بعد از مدتی ظاهر می‌گردد، که اکنون وقت ظاهر شدن گرفتاریهای آنهاست. دنیا، غرب، ممکن است بیست تا چهل سال پیش این‌طور نبوده است؛ اما اکنون گرفتاریهای زندگی مادی، گریبان آن را گرفته است. دلیل آن، این است که به معنویت و عدالت اجتماعی توجه نکرده است.

#### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۲/۰۹/۲۹

نظامهای سرمایه‌داری در دنیا، دنبال آبادی، عمران و پیشرفت علم و صنعت در کشورهايشان رفتند؛ بدون اینکه به اصل عدالت اجتماعی، اهتمام قابل اعتنایی داشته باشند. البته خیلی از آن هدفها را توانستند کسب کنند؛ مانند کسب علم، زندگی راحت، فناوری پیشرفته، زندگی لوکس و کسب قدرت نظامی. این‌ها به‌دست آمد و این هم وعده‌ی الهی است. خداوند متعال وعده فرموده است که هر ملتی، چنانچه به‌طور جدی به دنبال هر هدفی حرکت کند، به آن هدف خواهد رسید. در این، شک نیست. آن‌هایی هم که به‌طور جدی حرکت کردند، به همان مقدار، به این ظواهر زندگی؛ یعنی به ثروت جامعه، قدرت نظامی و قدرت و پیشرفت علمی رسیدند؛ اما در زندگی‌شان، سعادت‌مند نشدند. در آن کشورها، دردهای بشریت، تمام نشده است. ثروتی که در آن جامعه هست، عده‌ای از افراد جامعه را برخوردار کرده است؛ اما نتوانسته‌اند تبعیض را برطرف و عدالت اجتماعی را برقرار کنند. حتی برای کسانی هم که از زندگی راحت برخوردارند، نتوانستند راحتی حقیقی، آرامش روحی و زندگی خوش به وجود آورند. آب خوش از گلویشان پایین نمی‌رود. انواع و اقسام گرفتاریها، گریبان آنها را گرفته است. البته بعضی از گرفتاریها فوری ظاهر می‌شود و بعضی بعد از مدتی ظاهر می‌گردد، که اکنون وقت ظاهر شدن گرفتاریهای آنهاست. دنیا، غرب، ممکن است بیست تا چهل سال پیش این‌طور نبوده است؛ اما اکنون گرفتاریهای زندگی مادی، گریبان آن را گرفته است. دلیل آن، این است که به معنویت و عدالت اجتماعی توجه نکرده است.

### بیانات در دیدار مدیران و مسئولان مطبوعات کشور / ۱۳۷۵/۰۲/۱۳

همه‌ی مطبوعات باید توجه داشته باشند که خط قرمزی وجود دارد و از این خط فرمز، هیچ‌کس نباید عبور کند. نه اینکه ما اجازه نمی‌دهیم؛ در هیچ جای دنیا اجازه نمی‌دهند. در به اصطلاح دموکراتیک‌ترین کشورها هم اجازه نمی‌دهند. شما ببینید آن وقتها که در آمریکا خبری از موج چپ بود- حالا که دیگر این خبرها نیست- چپ‌های آمریکا- اعم از گروه‌های کمونیست یا سوسیالیست- و اجتماعاتشان تحت چه شرایطی زندگی می‌کردند! شما رمانهایی را که بعضی از نویسندگان دارای گرایش به چپ، مثل «هوارد فاست» نوشته‌اند- چند رمان او به فارسی هم ترجمه شده و بنده دیده‌ام- بخوانید و ببینید در باره‌ی چپ‌ها چه مطالب تکان‌دهنده‌ای آورده‌اند! همین کتاب معروف «خوشه‌های خشم» اثر «جان اشتاین بک» یا دیگر کتابش را که الآن در ذهنم نیست، بخوانید و ببینید راجع به وضع چپ‌ها و برخورد سردمداران مرکز به اصطلاح دموکراسی با آنها، چه نوشته است! بخوانید و بدانید که مرکز به اصطلاح دموکراسی و قبیله‌ی کسانی که صاحب چنین قلمهای بد و زشتی در ایرانند، حتی حاضر نبودند چپ‌ها را تحمل کنند؛ چون معتقد بودند، مارکسیسم، نظام سرمایه‌داری آمریکا را زیر سوال می‌برد. خوب؛ اگر چپ‌ها را تحمل می‌کردند، به معنای موافقت با عبور آنها از خط قرمز بود. اگر امروز مجموعه‌ای در آمریکا پیدا شود که بنویسد، بگوید و شعار بدهد «امریکا باید تجزیه گردد»، یا شعار بدهد «امریکا باید به چهل و نه ایالت تقسیم شود»، چگونه با آن رفتار می‌کنند؟ اگر امروز کسی در آمریکا قد علم کند و بگوید «چون چهل، پنجاه میلیون سیاه در ایالات متحده زندگی می‌کنند، باید کشور جداگانه‌ای داشته باشند و بخشی از آمریکا را به آنها بدهید تا حکومت تشکیل دهند»، دولت آمریکا با وی چه برخوردی خواهد داشت؟ آیا همان کاری را که با فرقه‌ی داویدها کردند و همه را در ساختمانی به آتش کشیدند، با او نخواهند کرد؟ این‌ها خطوط قرمز یک ملت است. شما، انقلاب را زیر سوال ببری، اصل انقلاب را نفی کنی و در نفی نظام جمهوری اسلامی بکوشی؟! خوب؛ این خط قرمز است و قابل تحمل نیست.

### بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان / ۱۳۷۵/۰۲/۲۶

خصوصیت دین مقدس اسلام، بخصوص مجموعه‌ی فکری و عقیدتی شیعه- که امتیازاتی دارد- این است که همه‌ی عوامل لازم برای رشد فردی و اجتماعی انسان را در خودش جمع دارد. این، نکته‌ی خیلی مهمی است. ملاحظه کنید: یک وقت فرهنگی، تمدنی، عقیده‌ای و یا مکتبی بر بشر عرضه می‌شود که ممکن است جهات خیلی خوبی هم در آن باشد. مثلاً- فرض بفرمایید- مجموعه‌ی تفکرات مکتب عرضه شده، موجب گردد که نیروهای درونی افراد بشر به کار بیفتد؛ استعدادهایشان شکوفا شود؛ کار کنند، ابتکار کنند، سازندگی کنند، تولید ثروت کنند و دنیا را نوسازی کنند. این خصوصیات هم ممکن است در مکتب عرضه شده باشد. اما همین مکتب، عیبی هم در درون خود داشته باشد، که موجب شود همین مردمی که این بهره‌ها را از قبل این مکتب می‌برند، زیانهای سختی تحمل کنند که گاهی آن زیانها، از این منافع هم بیشتر می‌گردد. مثال واضحش، تفکر غرب و فرهنگ سرمایه‌داری و آزادی فردی و لیبرالی رایج در غرب است. شما که مبلغ دینی و روحانی هستید، لازم است در این نکات، خیلی مدافعه کنید. ما که می‌گوییم «فرهنگ غرب»، نمی‌خواهیم بگوییم که این فرهنگ، هم‌اشار از بای بسم الله تا نای تمت، بدی و زشتی و خرابی است. شما دیده‌اید که بنده مکرر راجع به غرب و تهاجم فرهنگ غربی حرف می‌زنم. معنای صحبت‌های بنده، صرفاً این نیست که فرهنگ غرب از بای بسم الله تا نای تمت، هم‌اشار خراب و خرابی و بدی است. اگر این‌گونه بود، شهروندان ممالک غربی، از اول آن را نمی‌پذیرفتند و اصلاً تحمل نمی‌کردند. بنابراین، فرهنگ مذکور، نقاط مثبتی دارد که آن نقاط مثبت، چشم مردم را گرفت و جوامع را به خود جذب کرد.

### بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان / ۱۳۷۵/۰۲/۲۶

اغلب مکاتب بشری، از جمله مکتب سرمایه‌داری غرب هم، همین‌طور است. یک طرفش را دیده‌اند. آن طرفی که انسانها را به کار و تلاش و پیشرفت و رشد مادی و ثروت و علم می‌کشاند، دیده‌اند و درست هم بوده است. اما طرف دیگرش را ندیده‌اند، که در این جامعه‌ای که آسمان خراش‌ها وجود دارد و ثروتها و تجملات هست، فقر و بیچارگی افراد زیادی از انسانها هم هست. از گرسنگی مردن هم هست. ظلم هم هست. بدتر از همه، فساد همه‌گیری هست که به داخل خانه‌ی همه کسانی که از این وضع لذت می‌برند، نفوذ می‌کند و زندگی را بر آنها تلخ خواهد کرد. خوب؛ این معضل، گریبان‌گیر شد و کار را خراب کرد. هنر یک مجموعه و یک مکتب، این است که همه‌ی عوامل در آن جمع باشد. و الا اگر یک مکتب، فقط جهان‌گیری‌اش خوب باشد، می‌تواند فتوحات کند؛ اما نمی‌تواند نگهدارد. منابع طبیعی را خوب می‌تواند حفظ کند؛ ولی از حفظ منابع انسانی، ناتوان است. رشد مادی می‌تواند بدهد؛ اما در دادن رشد معنوی می‌ماند. بالاخره، مساوات را در بین آحاد مردم، می‌تواند برقرار کند؛ ولی نهائینا المثنای مکتب کمونیسم می‌شود! کمونیستها همه چیز را دولتی کردند؛ همه چیز را کوپنی کردند و برای اینکه مردم، مساوی شوند، سرمایه‌های شخصی را به کلی از آنها گرفتند. بسیار خوب! کسی که ثروتمند بود، ثروتش را از دست داد و همه مساوی- یعنی تقریباً فقیر- شدند! فرضاً یکجا اغنیا را هم به دم تیغ دادند تا فقرا سودی ببرند. ادعایشان این بود که در طبقات پایین جامعه، به‌هرحال، مساواتی به وجود آورند. اما در طبقات بالا، تبعیض و اختلاف طبقاتی‌ای که در کشورهای دیگر بود، اینجا چند برابر شد! ما کشورهای کمونیستی را دیده بودیم. بنده در زمان مسئولیت دولتی خود، در مسافرت‌هایی که به کشورهای کمونیستی کردم، وضع فقیر و غنی‌شان را از نزدیک دیدم. در طبقات پایین جامعه، مردم نان برای خوردن نداشتند. اما در راس حکومت‌هایشان، چنان جاه و جلال و فرعونیت و امپراتوری‌ای به وجود آمده بود، که شانه به شانه‌ی سرمایه‌داری بزرگ جهانی می‌سایید! انگار نه انگار که به گفته‌ی خودشان «سوسیالیست» هستند! آری؛ وقتی یک مکتب ناقص باشد، وضعیت، بهتر از این نمی‌شود. یک طرف را درست می‌کند، طرف دیگر خراب می‌شود!

### بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / ۱۳۷۶/۰۱/۰۱

مردم در دنیا به شدت تشنه‌ی عدالتند. امروز در کشورهایی که دم از دموکراسی می‌زنند، بی‌عدالتی از همه جا بیشتر است. در همین کشور آمریکا، با اینکه سالهای متمادی می‌گذرد که رسماً برابری حقوقی سیاه و سفید را روی کاغذ اعلان کرده‌اند، هنوز که هنوز است، میان سیاهان و سفیدان تبعیض حاکم است. در بعضی از کشورهای اروپایی، تبعیض هست. مساله‌ی نژادی هنوز در آن جاها مطرح است. هنوز که هنوز است، قدرتمندان این کشورها از جمله در آمریکا اگر در داخل ملاحظه کنند که کسی، چیزی و جماعتی، با اقتدار مطلق سرمایه‌داری آنها معارضه‌ای دارد، بی‌رحمانه می‌کوبندش!

### بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری / ۱۳۷۶/۰۵/۱۳

نظام اسلامی، نظام سرمایه‌داری نیست. من چهار سال قبل، در همین‌جا در روز تنفیذ همین موضوع را به حضاری که بودند، عرض کردم و گفتم: «نظام ما، نظام سرمایه‌داری نیست. نظام سرمایه‌داری، به جمع ثروت، به رونق اقتصادی و به مجموع در آمد ملی نگاه می‌کند و برایش مهم نیست که این ثروت چگونه به دست می‌آید، به دست کی می‌آید و چند درصد از مردم، چگونه از آن استفاده می‌کنند!» باید در آمد ملی بالا برود، ثروت زیاد شود، تلاش اقتصادی مورد حمایت قرار گیرد؛ که مورد حمایت هم قرار می‌دهند. قوانین هم در این جهت است. قدرت اجرایی هم در این جهت است. کشورهای سرمایه‌داری آن هم نه همه بلکه بعضی حد اکثر کاری که می‌کنند این است که بیمه‌ها و تضمین‌هایی را برای قشرهای مظلوم و محروم می‌گذارند، تا حد اقلی هم به آنها برسد. این، نظام سرمایه‌داری است.

### بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی / ۱۳۷۷/۱۳/۰۴

تبلیغ کاری لازم است؛ منتها تبلیغ یک معنای صحیح و اسلامی و انسانی دارد و آن، رساندن است. بالاخره انسان بایستی حرفی را که در دل دارد به مخاطب مورد نظرش برساند. این هیچ اشکالی هم ندارد؛ یعنی از روشهای معمولی استفاده کند و برساند. یک معنای تبلیغ که امروز در دنیا رایج است، به معنای غربی تبلیغ است؛ یعنی آن چیزی که در نظام سرمایه‌داری غرب معمول است. تبلیغ در آنجا اصلاً به معنای این نیست که حقیقتی را از جایی به مغزی منتقل کنند؛ بلکه معنایش تحت تاثیر قرار دادن دلها و مغزها با شیوه‌های علمی و روان‌شناسی است. مثلاً فرض کنید یکجا پنجاه قطعه عکس را بغل هم می‌زنند؛ آدم همین‌طور

هرچه نگاه می‌کند، طبعاً در ذهنش می‌ماند. این مانع تفکر و تعقل می‌شود.

### پیام به کنفرانس بین‌المجالس اسلامی / ۱۳۷۸/۰۲/۲۵

بلای دیگری که سلامت جوامع اسلامی، بخصوص جوانان را تهدید می‌کند تهاجم فرهنگی غرب است. امواج صوتی، تصویری حامل ابتذال، بدتر و نافذتر از کشتی‌ها و هواپیماهای جنگی، برای سلطه مجدد دشمنان جهانی اسلام، زمینه‌سازی می‌کنند. و با ترویج ارزشهای کاذب، غرب‌گرایی را که موجب ذلت و اسارت مسلمانان است تبلیغ می‌نمایند. این اجلاس علاوه بر مقابله با این تهاجم خانمان برانداز، باید در جستجوی راههای مناسب ترویج فرهنگ غنی و ارزشهای اصیل اسلامی و تقویت مبانی اعتقادی ملت‌های اسلامی باشد. به علاوه رسانیدن پیام حیات‌بخش اسلام به دنیای غیر مسلمان به‌ویژه جوامع صنعتی تشنه معنویت و خسته از مکاتب شکست‌خورده مادی جز وظایف اجلاس‌های بین‌المللی اسلامی می‌تواند باشد. مارکسیسم جز موزه تاریخ سیاسی جهان شده و سرمایه‌داری از پاسخ دادن به نیازهای معنوی و رو به رشد ملل غربی عاجز است و گرایش به معنویت در بین آن‌ها روزافزون است و هیچ آئین و مکتب فکری، ظرفیت اسلام برای پاسخ‌گویی به نیازهای روحی انسان عصر ما را ندارد.

### بیانات در دیدار با جوانان در مصلاهی بزرگ تهران / ۱۳۷۹/۰۲/۰۱

نکته‌ی چهارم در فرصتهای ما، راهنمایی‌های اسلام و اصول و ارزشهای اسلامی است که امروز در کشور ما رسمیت دارد. در بسیاری از مناطق دنیا ممکن است دموکراسی هم باشد، فعالیت اقتصادی هم باشد؛ اما چیزی به نام عدالت اجتماعی و رفع تبعیض مطرح نیست. امروز در کشورهای سرمایه‌داری و در میان طبقات گوناگون، آنچه که رسمیت و اعتبار دارد، مبارزه و جنگ اشخاص برای حفظ منافع خودشان است و چیزی به نام عدالت اجتماعی، به عنوان یک ارزش و به عنوان یک تکلیف بر دوش برنامه‌ریزان آن کشورها، وجود ندارد. اسلام که قانون اساسی ما را تشکیل می‌دهد و قوانین ما را هدایت می‌کند، عدالت اجتماعی جزو بزرگترین توصیه‌هایش است. اگر مسئولانی در کشور برای عدالت اجتماعی، برای نفی فقر در جامعه و برای کم کردن شکاف میان طبقات فقیر و غنی کار نکنند، از چشم مردم خواهند افتاد و مردم آن‌ها را به عنوان مسئولانی که مورد علاقه و قبول آن‌ها باشند، طبعاً نمی‌پذیرند.

### بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۷۹/۰۲/۲۲

اما چرا از آن دو رژیم جهانی رژیم شرقی کمونیستی و رژیم غربی سرمایه‌داری الگو نگرفتیم؟ چون رژیم‌های باطلی بودند. رژیم‌های کمونیست، رژیم‌های مستبدی بودند که با شعار حکومت مردمی سر کار آمده بودند؛ اما اشرافی هم بودند! باینکه دم از ضدیت با اشراف‌گری می‌زدند، اما عملاً حکومت‌های اشرافی بودند. از لحاظ استبداد، در نهایت درجه‌ی استبداد بودند و حاکمیت مطلق دولت بر اقتصاد، بر فرهنگ، بر سیاست و بر فعالیت‌های گوناگون اجتماعی و غیره به چشم می‌خورد؛ در رژیم‌های شرقی، مردم هیچ‌کاری محض بودند. بنده از نزدیک رفته بودم و این کشورها را در اواخر عمرشان دیده بودم. حتی در راس بعضی از کشورهای عقب افتاده و فقیرشان هم یک رژیم به اصطلاح و به قول خودشان کارگری سر کار بود؛ اما همان رفتارهای اشراف‌گری و همان کارهای غلط دربارهای قدیم را تکرار می‌کردند! نه انتخاباتی در این کشورها بود، نه رای مردمی در کار بود؛ اما به خودشان دموکراتیک هم می‌گفتند و ادعای مردمی بودن می‌کردند! مردم هیچ‌کاری محض بودند؛ از لحاظ اقتصادی، صد درصد وابسته‌ی به دولت؛ از لحاظ کارهای فرهنگی، صد درصد وابسته‌ی به دولت؛ معلوم بود که چنین رژیم‌هایی محکوم به فنا بود. البته چون شعارهاشان، شعارهایشان براق و جذابی بود، توانستند در اطراف دنیا جوانانی را به سمت خودشان جذب کنند و حکومت‌هایی تشکیل دهند؛ اما دیگر نمی‌توانستند عمری بکنند. دیدید آخرش هم به کجا رسیدند؛ بعد از چند ده سال به کلی زایل شدند. طبیعی بود که آن رژیم‌ها برای ما قابل الگو گرفتن نبود. آن روزی که انقلاب ما پیروز شد یعنی بیست و یک سال قبل از این هیچ انقلابی در دنیا وجود نداشت که وقتی پیروز می‌شد، به همین حکومت شرقی یا مارکسیستی و با سوسیالیستی که مرتبه‌ی رقیق‌ترش بود گرایش نداشته باشد؛ لیکن اسلام و ملت ایران و رهبر این ملت آن را رد کردند و قبول نداشتند و کنار گذاشتند.

### بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۷۹/۰۲/۲۲

از غرب هم نمی‌خواستیم و نمی‌توانستیم الگو بگیریم؛ چون غرب چیزهایی داشت، اما به قیمت نداشتن چیزهای مهم‌تری. در غرب، علم بود، اما اخلاق نبود؛ ثروت بود، اما عدالت نبود؛ فناوری پیشرفته بود، اما همراه با تخریب طبیعت و اسارت انسان؛ اسم دموکراسی و مردم‌سالاری بود، اما در حقیقت سرمایه‌سالاری بود، نه مردم‌سالاری؛ امروز هم همین‌طور است. این مطلبی که عرض می‌کنم، ادعای من نیست. من از قول فلاّن نویسنده‌ی مسلمان متعصب نقل نمی‌کنم؛ از قول خود غربی‌ها نقل می‌کنم. امروز در کشورهای غربی و در خود آمریکا، آن چیزی که به نام دموکراسی و انتخابات وجود دارد، صورت انتخابات است. باطن آن، حاکمیت سرمایه است. من مایل نیستم که از نویسندگان و کتاب‌هایشان اسم بیاورم؛ اما خود نویسندگان آمریکایی تشریح می‌کنند و می‌نویسند که انتخابات شهرداری‌ها، انتخابات نمایندگی مجلس و انتخابات ریاست جمهوری، با چه سازوکاری انجام می‌گیرد. اگر کسی نگاه کند، خواهد دید که در آنجا، آرا مردم تقریباً هیچ نقشی ندارد و آنچه که حرف اول و آخر را می‌زند، پول و سرمایه‌داری و شیوه‌های تبلیغاتی مدرن و همراه با فریب و جذاب از نظر آحاد مردم سطحی‌نگر است! اسم دموکراسی هست، اما باطن دموکراسی مطلقاً نیست. پیشرفت‌های علمی در غرب بود، اما این پیشرفت‌های علمی وسیله‌ای برای استثمار ملت‌های دیگر شده بود. غربی‌ها به مجرد اینکه یک قدرت علمی پیدا کردند، آن را به قدرت سیاسی و اقتصادی تبدیل نمودند و به طرف شرق و غرب دنیا راه افتادند. هرجا کشوری ممکن بود رویش دست بگذارند و آن را استثمار کنند، بی‌دریغ کردند. هرجا نکردند، ممکن‌شان نشد! در غرب، آزادی بود، اما آزادی همراه با ظلم و بی‌بندوباری و افسارگسیختگی. روزنامه‌ها در غرب آزادند و همه چیز می‌نویسند؛ اما روزنامه‌ها در غرب متعلق به چه کسانی هستند؟ مگر متعلق به مردمند؟! اینکه امر واضحی است؛ بروند نگاه کنند. شما در همه‌ی اروپا و آمریکا یک روزنامه‌ی قابل ذکر نشان دهید که متعلق به سرمایه‌داران نباشد! پس روزنامه که آزاد است، یعنی آزادی سرمایه‌دار که حرف خودش را بزند؛ هرکس را می‌خواهد، خراب کند؛ هرکس را می‌خواهد، بزرگ کند؛ به هر طرف می‌خواهد، افکار عمومی را بکشد؛ اینکه آزادی نشد.

### بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۷۹/۰۲/۲۲

آن‌هایی که به ارزش‌ها توجه می‌کنند و تحول و تغییر و پیشرفت را ندیده می‌گیرند، خطر تخریب تهدیدشان می‌کند؛ باید مراقب باشند. آن‌هایی که به تحول و تغییر توجه می‌کنند و ارزش‌ها را در درجه‌ی اول قرار نمی‌دهند، خطر انحراف برایشان وجود دارد؛ این‌ها هم باید مراقب باشند. هر دو طرف باید مواظب باشند. مبدا گروه اول دچار جمود و تخریب شود. مبدا گروه دوم دچار انحراف و زمینه‌سازی برای دشمن و مخالفان اساس ارزش‌ها شود. اگر دو گروه این توجه را داشته باشند، آنوقت جامعه می‌تواند جامعه‌ای باشد که با همان وحدتی که مورد نظر و لازم است، زندگی خودش را به سمت تکامل و تعالی‌ای که اسلام برای او در نظر گرفته، پیش ببرد.

پس یک خطر، عبارت شد از اینکه دو جناح و دو طرف، خودشان غفلت کنند و دچار خطر شوند. اما خطر بزرگتر از این هم وجود دارد. آن چیست؟ آن خطر نفوذ است. از هر دو طرف ممکن است افرادی نفوذ کنند. گاهی یک دشمن از هر دو طرف نفوذ می‌کند؛ از آن طرف به عنوان ارزش‌گرایی می‌آید و با هرگونه تحولی مخالفت می‌کند؛ حتی با راه‌های رفته هم مخالفت می‌کند و می‌خواهد حرکت انقلابی را برگرداند. از این خطرناک‌تر، این طرف قضیه است؛ به عنوان تغییر و تحول و پیشرفت، کسانی بیایند که با اساس ارزش‌ها و با اصل اسلام و با اصل تئین مردم و با اصل عدالت اجتماعی مخالفند؛ دچار همان سرمایه‌سالاری غربی‌اند؛ دنبال کیسه دوختن‌اند؛ با اصل رفع تبعیض طبقاتی مخالفند؛ با نام دین هم مخالفند، و لو به زبان نیاورند! این‌ها به نام تحول، به نام تغییر، به نام پیشرفت، به نام اصلاح، بیایند وارد میدان شوند و میدان‌داری کنند. این‌ها ممکن است در بدنه‌ی اقتصادی جامعه نفوذ کنند. اگر این‌گونه آدم‌های بیگانه و غریبه در بدنه‌ی اقتصادی جامعه

نفوذ کنند، البته خطرناک است؛ چون اقتصاد و مال و ثروت در جامعه مهم است و باید دست انسانهای امین باشد. اما از آن خطرناک‌تر این است که بیایند در مراکز فرهنگی نفوذ کنند؛ ذهن مردم، ایمان مردم، باورهای مردم، خط سیر صحیح مردم را قبضه کنند و در اختیار بگیرند. همان چیزی اتفاق بیفتد که در صحنه مطبوعات و صدا و سیما دنیای غرب اتفاق می‌افتد؛ یعنی سرمایه‌سالاری. همچنان که رادیوها و تلویزیون‌های بین‌المللی امپراتوری خیری دنیا در دست سرمایه‌دارهاست، این‌ها به داخل کشور ما بیایند و مراکز فرهنگی را هم تصرف کنند و از طریق فرهنگی بخواهند اثر بگذارند. این همان چیزی است که بنده چند سال قبل از این، نشانه‌های آن را در گوشه و کنار مشاهده کردم و «تهاجم فرهنگی» را گفتم. بعضی پذیرفتند، بعضی هم اصلش را انکار کردند و گفتند اصلاً تهاجم فرهنگی وجود ندارد!

#### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۹/۰۴/۱۹

اگر تعریف مشخصی از اصلاحات نشود، الگوهای تحمیلی غلبه خواهد کرد؛ همان اتفاقی که در شوروی افتاد؛ چون نمی‌دانستند چه کار می‌خواهند بکنند؛ لذا به سراغ تقلید ناشیانه‌ی اصلاحات در الگوها و مدل‌های غربی رفتند و به آن‌ها پناه بردند. امام بزرگوار ما هوشمندانه این ضعف را در آن‌ها تشخیص دادند؛ لذا در نامه‌ای که ایشان به گورباچف نوشتند، این نکته را متذکر شدند. ایشان نوشتند شما اگر بخواهید گره‌های کور اقتصاد سوسیالیسم و کمونیسم را با پناه بردن به کانون سرمایه‌داری غرب حل کنید، نه تنها دردی از جامعه‌ی خود را دوا نخواهید کرد، بلکه دیگران باید بیایند و اشتباهات شما را جبران کنند؛ چرا که امروز اگر مارکسیسم در روش‌های اقتصادی و اجتماعی به بن‌بست رسیده است، دنیای غرب هم در این مسائل البته به شکلی دیگر و نیز در مسائل دیگر گرفتار حادثه است. اینکه بنده مکرر می‌گویم امام یک حکیم واقعی بود، به این خاطر است. در آن جناب تبلیغاتی رسانه‌ای جهان، نکته‌ی اصلی را امام تشخیص داد.

#### بیانات در دیدار جمعی از بانوان / ۱۳۷۹/۰۶/۳۰

فرهنگ غربی در مورد زن و بی‌بندوباری و به ابتداء کشاندن زنان آن مناطق، موجب شده است که بنیان خانواده، سست و متزلزل گردد و خیانت زن و مرد به یکدیگر، در داخل خانواده چندان مهم شمرده نشود. این گناه نیست؟ این خیانت به جنس زن نیست؟ با این فرهنگ، از همه‌ی دنیا هم طلبکارند؛ در حالی که باید بدهکار باشند! فرهنگ غربی در مورد زنان باید در موضع مدافع قرار گیرد؛ باید از خودش دفاع کند؛ باید توضیح بدهد؛ اما غلبه و سلطه‌ی سرمایه‌داری و رسانه‌های مستکبر جبار غربی قضیه را بعکس می‌کنند؛ آن‌ها می‌شوند طلبکار؛ آن‌ها می‌شوند مدافع حقوق زن به قول خودشان و به اصطلاح خودشان! در حالی که چنین چیزی نیست. البته در بین غربی‌ها هم مسلماً متفکرانی، فلاسفه‌ای و انسان‌های صادق و صالحی هستند که صادقانه فکر می‌کنند و حرف می‌زنند. آنچه که من می‌گویم، گرایش عمومی فرهنگ و تمدن غربی به زیان زن و علیه زن است.

#### بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه / ۱۳۷۹/۰۷/۱۲

شما دیدید وقتی که نظام مارکسیستی در شوروی سابق و اروپای شرقی برافتاد - با این‌که نظام مارکسیستی تمدنی جدید و نو نبود؛ تفکری بود بر اساس همان تمدن غربی؛ عمدتاً با همان پایه‌های تفکر و تمدن غربی؛ با همان پایه‌های مادی؛ در عین حال با دستگاه سرمایه‌داری غرب و نگهبانان و افسونگران پاسدار تمدن غربی معارضه‌ای داشت - مساله‌ی نظم نوین جهانی و مساله‌ی تک ابرقدرتی در دنیا را مطرح کردند. یعنی امروز تمدن غرب حتی در میان اجزای خود، آن وحدت و انسجام و آن یگانگی و صداقت لازم را ندارد. یک نقطه که یک رشد مادی بیشتری کرده است، بنا به طبیعت تمدن مادی، افزون‌طلب است؛ کلیت‌طلب است؛ تمامیت‌طلب است و بقیه‌ی بخشها را نادیده می‌گیرد.

#### بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر / ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

امروز تئوریسین‌ها و تبلیغاتی‌های غربی در صددند خط ارتجاع به غرب خط برگشت به همان تحمیل‌پذیری غربی را دوباره برگردانند. البته همان‌طور که گفتم، تحت عنوان یک تئوری شبه روشن‌فکرانه؛ به عنوان یک حرف نو؛ تئوری جهانی شدن و تئوری تغییر گفتمان. می‌گویند دانشجوی این دوره دیگر نمی‌تواند دانشجوی دوران ضد استعماری باشد. می‌گویند دوران ضدیت با استعمار و استکبار و مرگ بر استکبار گفتن، گذشته است؛ دوران عدالت‌خواهی و مبارزه‌ی با سرمایه‌داری سرآمده است؛ دوران آرمان‌خواهی و تبری و تولاکی سیاسی تمام شده است؛ گفتمان جدید دانشجویی عبارت است از گفتمان جهانی، جهانی شدن، گفتمان واقع‌بینی، گفتمان پیوستن به نظم نوین جهانی؛ یعنی سیاهی لشکر آمریکا شدن؛ این جهانی شدن، اسمش جهانی شدن است؛ اما باطنش امریکایی شدن است. معنایش این است که ملت ایران علی‌رغم مجاهدتهایی که کرده، علی‌رغم پرچمهایی که بر قله‌های پیروزی کوبیده، علی‌رغم بیداری عظیمی که در ملت‌های مسلمان به وجود آورده، باید دوباره مثل دوران قبل از انقلاب، سیاهی لشکر و عمه و ابزار تامین منافع آمریکاییها شود. هدف به صورت لخت و پوست‌کنده جز این چیز دیگری نیست؛ اما می‌خواهند در زیر نامهای زیبا جهانی شدن و تحول و پیشرفت این هدف را پنهان کنند.

#### پیام به کنگره‌ی عظیم حج / ۱۳۷۹/۱۲/۱۲

حج همچنین مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان است. اینکه خداوند متعال همه‌ی مسلمانان و هر که از ایشان را که بتواند، به نقطه‌ی خاص و در زمانی خاص فرامی‌خواند و در اعمال و حرکاتی که مظهر همزیستی و نظم و هماهنگی است، آنان را روزها و شبهایی در کنار یکدیگر مجتمع می‌سازد، نخستین اثر نمایانش، تزریق احساس وحدت و جماعت در یکایک آنان و نشان دادن شکوه و شوکت اجتماع مسلمین به آنان و سیراب کردن ذهن هر یک یکتان آنان از احساس عظمت است. با احساس این عظمت است که مسلمان اگر تنها در شکاف کوهی هم زندگی کند، خود را تنها حس نمی‌کند. با احساس این حقیقت است که مسلمین در هر یک از کشورهای اسلامی، شجاعت برخورد با اردوگاه ضدیت با اسلام، یعنی همین سلطه‌ی سیاسی، اقتصادی دنیای سرمایه‌سالاری و عوامل و ایادی آن و نیرنگ و فتنه‌گری آن را می‌یابند و افسون تحقیر که اولین سلاح استعمارگران غربی در برابر ملل مورد تهاجمشان بوده و هست در آنان نمی‌گیرد. با احساس این عظمت است که دولت‌های مسلمان با تکیه به مردم خود، از تکیه به قدرتهای بیگانه خود را بی‌نیاز حس می‌کنند و این فاصله‌ی مصیبت‌بار میان ملت‌های مسلمان با دستگاه‌های حاکم بر آنان پدید نمی‌آید. با احساس این وحدت و جماعت است که نیرنگ استعماری دیروز و امروز یعنی احیای احساسات افراط‌آمیز ملی‌گرایی این فاصله‌ی وسیع و عمیق میان ملت‌های مسلمان را پدید نمی‌آورد و قومیت عربی و فارسی و ترکی و آفریقایی و آسیایی، به‌جای آنکه رقیب و معارض هویت واحده‌ی اسلامی آن‌ها باشد، بخشی از آن و حاکی از سعوی وجودی آن می‌گردد؛ و به جای آنکه هر قومیتی، وسیله و بهانه‌ی نفی و تحقیر قومیت‌های دیگر شود، وسیله‌ای برای نقل و انتقال خصوصیات مثبت تاریخی و نژادی و جغرافیایی هر قوم به سایر اقوام اسلامی می‌گردد.

#### پیام به کنگره‌ی عظیم حج / ۱۳۷۹/۱۲/۱۲

امت اسلامی امروز در حال تجربه‌ی این موفقیتها و ناکامیها است. هم دولت‌های مسلمان و هم ملت‌ها در برابر این واقعیتها، تکالیف بزرگی بر دوش دارند و جهان اسلام در حال گذار از مرحله‌ی حساسی از تاریخ خویش است. آشنایی با این تکالیف و احساس تعهد در برابر آن می‌تواند ورق شوربختی و ضعف را از کتاب تاریخ اسلام برگرداند و بار دیگر صفحه‌ی عزت و عظمت مسلمانان و درخشش مادی و معنوی دنیای اسلام را بگشاید. امروز دنیای غرب که عامل تشدیدکننده‌ی ضعف و عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی بوده است، دستخوش گرفتاریهای بزرگ و حل‌نشده‌ی است. فساد مادی‌گری و نظام سرمایه‌سالاری بتدریج نفوذ خود در پایه‌های آن تمدن مادی را آشکار می‌سازد و بیماریهای مزمنی را که در زیر تشنه‌ی خیره‌کننده‌ی صنعت و سرمایه پنهان مانده بود، بتدریج برملا می‌کند و نزدیکی بحران را به آنان خیر می‌دهد. دنیای اسلام، نسیم بیداری اسلامی را بر چهره‌ی ملت‌ها و رنج‌کشیده‌ی خود حس می‌کند و نشانه‌های آن را در جابه‌جای جهان اسلام،

به‌ویژه در ایران مجاهد و سربلند و نیز در فلسطین و لبنان به چشم می‌بیند. فروغ امید، دل‌های جوانان را در همه جا روشن کرده و طلسم تحقیر و تحکم غرب، در هم شکسته است. این فرصت، آسان به دست نیامده و هزاران جان‌گرمی در راه آن ایثار شده است. از این پس نیز راه، دراز و دشوار، لیکن مطمئن و بی‌چون و چرا است. در حال حاضر، ملت فلسطین سهم بزرگی در گشودن و پیمودن این راه بر دوش گرفته است، و همه باید به آن ملت مظلوم و شجاع و بیدار کمک کنند. دیگر ملتها و دولتها می‌توانند در یاری رساندن به ملت قهرمان فلسطین، سهم خود را در پیمودن این راه بر عهده گیرند.

#### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۰/۰۹/۲۱

کارهای بزرگی بر عهده شمامست. واقعا بارهای سنگینی بر دوشتان قرار دارد. باید بتوانید این بارها را تحمل کنید. از اطراف دنیا فشارهای سیاسی وارد می‌شود و تبلیغات منفی از همه طرف دنیا هجوم می‌آورد. علتش هم معلوم است؛ چون نظام، نظامی است که با قلدرهای دنیا درافتاده است. وقتی نظامی شعار عدالت بدهد و با ظلم دربیفتد، یعنی با ظالمها درافتاده است. ظالمها چه کسانی هستند؟ همیشه قلدرهای دنیا ظالمند؛ ظالمها هم همان قلدرها هستند. کمتر اتفاق می‌افتد که آدم‌های ضعیف، ظالم شوند. زورداران هستند که ظالم می‌شوند؛ پس به طور طبیعی نظام اسلامی با این‌ها درمی‌افتد. این شبکه‌ی عظیم به هم پیوسته در هم تنیده بسیار فاسد سرمایه‌داری جهانی- که استکبار جهانی هم در حقیقت، همان است و اداره‌کننده‌ی سیاست‌های جهانی است- دائم تبلیغات می‌کند، حرف می‌زند، جو می‌سازد و افکار عمومی درست می‌کند. بازتاب‌های این‌ها می‌آید تا به یکی یکی افراد می‌رسد؛ به نماینده‌ی مجلس می‌رسد، به مسئولان قضائی می‌رسد، به دولت می‌رسد، به وزارت خارجه می‌رسد، به بخش‌های مختلف می‌رسد. ایستادگی در مقابل این‌ها، ذخیره لازم دارد. بد نیست که دوستان در مواردی این ذخیره را در خود به وجود آورند.

#### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۰/۱۲/۲۷

آمریکاییها اصولی را به عنوان اصول امریکایی معرفی می‌کنند و می‌گویند این اصول، جهان‌شمول است. این اصول، آزادی انسان، آزادی فکر، کرامت انسان، حقوق بشر و از این قبیل چیزهاست. این‌ها اصول امریکاییند؟! مشخصه‌ی جامعه‌ی امریکایی امروز این‌هاست؟! مشخصه‌ی حکومت امروز امریکا این‌هاست که شما ذکر کردید؟! آیا این حکومت نبود که بومیان اصلی سرزمین امریکا را قتل عام کرد؟ سرخ‌پوستان امریکا را نابود کرد؟ آیا این حکومت و عوامل موثر در این حکومت نبودند که میلیونها آفریقای را از داخل خانه‌هایشان به بردگی گرفتند و دختر و پسر جوان آن‌ها را برای بردگی ربوند و سال‌های متمادی با سخت‌ترین فاجعه‌ها با این‌ها رفتار کردند؟ امروز یکی از ترازوی‌ترین آثار هنری، اثری است به نام «کلبه‌ی عموتام» که زندگی برده‌داری را در امریکا نشان می‌دهد که شاید قریب دویست سال است که این نوشته هنوز زنده است. واقعیت‌های امریکا این است؛ حکومت امریکا این است؛ آن مشخصه و ممیزه‌ای که نظام امریکایی به دنیا نشان داده، این است؛ نه آزادی انسان، نه برابری انسان. کدام برابری؟! شما هنوز هم بین سیاه و سفید برابری قائل نیستید. همین امروز هم از نظر شما رگه‌ی سرخ‌پوستی در یک نفر آدم در هریک از مراحل گزینش اداری یک نقطه‌ی ضعف برای او محسوب می‌شود. برابری انسانها؟! آزادی فکر؟! شما حاضرید همین سخنرانی، یا سخنرانی آقای رئیس‌جمهور را در رسانه‌هایتان در امریکا پخش کنید؟ اگر آنجا آزادی فکر و آزادی بیان هست، همین سخنرانی نیم‌ساعته‌ی آقای خاتمی را بردارید پخش کنید. کدام آزادی فکر؟! رسانه‌ها متنوع است، اما بند ناف همه متصل به دستگاه سرمایه‌داری و سرمایه‌داران بزرگ امریکاست که اکثریتشان در اختیار صهیونیست‌هاست! این معنی آزادی رسانه‌ها در امریکا است؟! چرا به مردم دنیا دروغ می‌گویید؟ این‌ها اصول امریکایی است؟! آن وقت می‌گویند اصول امریکایی جهان‌شمول است. شما کی هستید که به خودتان حق می‌دهید که برای بشریت، اصول جهان‌شمول وضع کنید؟ خوب؛ قبل از شما هم کمونیست‌ها، اصول جهان‌شمول داشتند؛ استالین هم اصول جهان‌شمول داشت؛ می‌گفت همه‌ی دنیا باید از من اطاعت کند؛ از این اصول باید پیروی کند. فاشیست‌های دنیا هم به نظر خودشان اصول جهان‌شمول داشتند. این چه منطقی است که این اصول ماست؛ این اصول جهان‌شمول است، هرکه در دنیا قبول نکند، باید برویم یا بمب اتم او را بکوبیم. این منطق، منطق یک ملت آزاد است؟! این منطق، منطق یک دولتی است که حقیقتاً معتقد به کرامت انسان است؟! این‌طور به بشریت دروغ می‌گویید؟!

#### بیانات در مراسم سیزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۱/۰۲/۱۲

هنر بزرگ امام بزرگوار ما این بود که چارچوب محکمی را برای این انقلاب به وجود آورد و نگذاشت این انقلاب در هاضمه‌ی قدرت‌ها و جریان‌های سیاسی مسلط هضم شود. شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»، یا شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» که تعالیم امام و خط اشاره‌ی انگشت ایشان در دهان مردم انداخت، معنایش این بود که این انقلاب متکی به اصول ثابت و مستحکمی است که نه به اصول سوسیالیسم اردوگاه آن روز شرق ارتباطی دارد، نه به اصول سرمایه‌داری لیبرال اردوگاه غرب. علت اینکه شرق و غرب با این انقلاب دشمنی کرده‌اند و سرسختی نشان داده‌اند، همین بود.

#### بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم / ۱۳۸۱/۰۶/۲۰

ما امروز اگر جمهوری اسلامی هستیم، اگر حکومت علوی هستیم، باید این‌ها را رعایت کنیم. شما مردم هم این‌ها را باید از ما بخواهید. اقامه‌ی دین خدا را باید بخواهید. اینکه ما نگاه کنیم ببینیم شرق و غرب در مفاهیم حکومتی و مفاهیم سیاسی حرفشان چیست، آن‌ها چه می‌گویند، ما هم سعی کنیم خودمان را آن‌طور تطبیق دهیم، این مثل همان خلافت عثمانی‌هاست، مثل خلافت بنی امیه و بنی عباس است. آن‌ها هم اسمشان خلیفه‌ی پیغمبر بود؛ اسمشان حاکم اسلامی بود؛ اما رسم و عملشان حکومت کسری و قیصر و حکومت پادشاهان بود. همان‌طور که آن‌ها عمل می‌کردند، این‌ها هم همان‌طور عمل می‌کردند. اسممان حکومت علوی و حکومت اسلامی باشد، بعد برویم سراغ سرمایه‌داری غرب، سراغ حکومتی که سرمایه‌داران و کمیانی‌داران و زشت‌روترین ظالمان و ستمگران عالم آن را اداره می‌کنند؟! این درست است؟ این همان نفاق خواهد شد. پرچمی را با یک نامی بلند کنیم، آن وقت در زیر این پرچم سراغ چیزهای دیگر برویم؟! امروز در نظام اسلامی، همه‌ی کارگزاران حکومت، از پایین تا بالا؛ از رهبری- که خدمتگزار همه است- از رئیس‌جمهور، از وزرا، از مسئولین قضائی، از نمایندگان مجلس و از مدیران گوناگونی که در اکناف کشور هستند، باید همتشان این باشد که دین خدا را اقامه کنند، عدالت را احیا کنند، تبعیض در اجرای مقررات را از میان بردارند، بیشترین توجهشان به طبقه‌ی محروم و مستضعف و فقیر باشد- همچنان که امیر المومنین بود- شعار تقوا را شعار شخصی و عمومی خودشان قرار دهند؛ این وظیفه‌ی ماست.

#### بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان / ۱۳۸۲/۰۲/۱۰

عده‌ای در جامعه طوری حرف می‌زنند و مشی می‌کنند که تصور مردم این‌گونه باشد که بله، بزن و بکوب مسابقه‌ی مادیات است؛ هرکه پول بیشتری به‌دست آورد و استفاده‌ی بیشتری کرد، او برده است؛ هرکس استفاده‌ی کمتری کرد، کلاهش پس معرکه است و عقب‌مانده و بدبخت است؛ قضیه این نیست. این مربوط به قانون جنگل حیوانهای مدرن است؛ بله؛ در نظام‌های سرمایه‌داری که دعوا بر سر پول و مادیات است، همین‌طور است- چون معنویت‌ی وجود ندارد- اما در جامعه‌ی انسانی، فضیلت و شرف و آبرو و کرامت انسانی و ارزش معنوی حرف اول را می‌زند. البته این بهانه نشود برای اینکه به فکر مادیات و ترمیم معیشت نباشند؛ باید باشند و راهش هم همان چیزی است که عرض کردم؛ پایه‌های اقتصادی را مستحکم کنند.

#### بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان زنجان / ۱۳۸۲/۰۷/۲۲

پس از به وجود آمدن نظام اسلامی بر پایه‌ی مستحکم ایمان‌های مردم، چالش عظیم جهانی در برابر آن پیدا شد. چرا؟ چون این نظام به‌طور طبیعی با اختاپوس خطرناک نظام‌های استکباری دنیا درگیر می‌شد. معنای این درگیری این نبود که ما می‌خواستیم به جنگ امریکا یا انگلیس یا فلان کشور برویم. شما جوانان بدانید

که در طول دوران بیست و پنج سال انقلاب اسلامی، حتی یک روز هم نشد که مسئولان انقلاب به ذهنشان خطور دهند که به جنگ و معارضه با این کشور و آن کشور بروند؛ نه، این چالش از ناحیه هویت و ذات انقلاب است. وقتی یک کشور اسلامی با داشتن موقعیت حساس جغرافیایی و با فرهنگ عمیق به میدان می‌آید و ایده‌ای را مطرح می‌کند و برای جان بخشیدن به آن، تمام مجاهدت و تلاش خود را می‌کند و نشانه‌های موفقیت در چهره او آشکار می‌شود، به‌طور طبیعی منافع استکبار را در کل منطقه به خطر می‌اندازد. لذا دستگاه‌های استکباری آن روز- که در یک طرف اردوگاه لیبرالیسم سرمایه‌داری و در طرف دیگر اردوگاه سوسیالیسم ادعایی الحاد دیکتاتوری بود- با انقلاب اسلامی درافتادند. عجیب این بود که این‌ها در نوددرصد مسائل با همدیگر اختلاف داشتند، اما در اینکه باید این شعله‌ی برفروخته را خاموش کرد و این نهال برآمده را کند، باهم متحد بودند! شما جوانان عزیز روی این مسائل فکر کنید؛ این‌ها حرف‌های تکراری نیست؛ این‌ها راه ما را برای آینده روشن می‌کند.

#### بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۲/۰۲/۱۴

پدیده استعمار- که دهها کشور و میلیون‌ها انسان را سال‌های متمادی غرق در سخت‌ترین و شدیدترین محنتها کرد- یکی از چیزهایی است که در نتیجه تفکیک علم از معنویت، سیاست از معنویت و دولت از اخلاق در اروپا اتفاق افتاد. دو جنگ جهانی اول و دوم هم از همان میوه‌های تلخ بود. کمونیزم و حکومت‌های اختناق مارکسیستی هم جزو نتیجه‌ها و میوه‌های تلخ جدایی حرکت علمی و صنعتی از معنویت بود. ویران شدن کانون خانواده، سیلاب فساد جنسی و طغیان سرمایه‌داری افراطی، همه نتایج همان تفکیک است.

#### بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۲/۰۲/۱۴

ضابطه‌های رهبری و ولایت فقیه، طبق مکتب سیاسی امام بزرگوار ما، ضابطه‌های دینی است؛ مثل ضابطه کشورهای سرمایه‌داری، وابستگی به فلان جناح قدرتمند و ثروتمند نیست. آن‌ها هم ضابطه دارند و در چارچوب ضوابطشان انتخاب می‌کنند، اما ضوابط آن‌ها این است؛ جزو فلان باند قدرتمند و ثروتمند بودن، که اگر خارج از آن باند باشند، ضابطه را ندارند. در مکتب سیاسی اسلام، ضابطه، این‌ها نیست؛ ضابطه، ضابطه معنوی است. ضابطه عبارت است از علم، تقوا و درایت. علم، آگاهی می‌آورد؛ تقوا، شجاعت می‌آورد؛ درایت، مصالح کشور و ملت را تامین می‌کند؛ این‌ها ضابطه‌های اصلی است بر طبق مکتب سیاسی اسلام. کسی که در آن مستند حساس قرار گرفته است، اگر یکی از این ضابطه‌ها از او سلب شود و فاقد یکی از این ضابطه‌ها شود، چنانچه همه‌ی مردم کشور هم طرف‌دارش باشند، از اهلیت ساقط خواهد شد.

#### بیانات در دیدار نمایندگان مجلس / ۱۳۸۲/۰۲/۲۷

من به‌خاطر دارم که اوایل انقلاب امام این را مکرر به یاد می‌آوردند که در مجالس دیگر در دنیا درگیری‌های شنیع و کتک‌کاری هست؛ اما تفاخر می‌کردند که در مجلس ما این حرف‌ها نیست؛ مباحثه و مجادله هست. این، مهم است. ما باید ببینیم دیگران چه می‌کنند که نقطه‌ی ضعف آن‌ها محسوب می‌شود؛ از آن پرهیز کنیم. در بسیاری از مجالس کشورهای سرمایه‌داری معمول و رایج است که نماینده علنا به زبان می‌آورد و در عمل هم نشان می‌دهد که حافظ منافع شرکتها و کارتلها و تراستها و کمپانی‌های گوناگون است؛ از این کار ابایی هم ندارد. مقاصد و منافعی را که کمپانی‌های بزرگ و مراکز عظیم مالی- که بیشترین ظلم دنیا از سوی آن‌هاست- تعریف می‌کنند، این‌ها در مجالس دنبال قانون‌گذاری و ردیف کردن کار آن‌ها هستند؛ این بزرگ‌ترین نقطه‌ی ضعف آن‌هاست.

#### بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی / ۱۳۸۲/۰۲/۰۱

وقتی جهاد؛ یعنی تلاش هدف‌دار برای خدا، وجود داشت، بدون تردید موفقیت هم با آن همراه خواهد بود. ما راهی که به سمت مرزهای پیشرفته‌ی دانش در همه‌ی زمینه‌ها داریم، مسلم بدانید که جز با روحیه استقلال، روحیه توکل به خدا و روحیه کار برای ایمان طی نخواهد شد. باید این راه را سریع طی کنیم و راه‌های میان‌بر را پیدا کنیم و خودمان را برسانیم؛ مرزهای دانش را باز و مرزهای جدیدی را ایجاد کنیم؛ این کار ممکن است؛ زیرا اینجا سرزمین علم‌خیز است و شماها نشان دادید که می‌شود. درهای بسیاری از این دانش‌ها بر روی کشورهای مثل کشور ما و غیر دارندگانش بسته است و وقتی اجازه می‌دهند دانش منتقل شود، که کهنه و دستمالی شده است و از نوایی و طراوت افتاده است. البته در همه‌ی زمینه‌ها همین‌طور است؛ در زمینه‌های علوم انسانی هم همین‌طور است. من آن‌روز به دوستانی که در زمینه‌های اقتصاد و مدیریتهای گوناگون کشوری کار می‌کنند و در اینجا بودند، گفتم که مطالبی را امروز بعضی‌ها در اینجا دنبال می‌کنند، که منسوخ شده است. نظریات برتر آن‌ها به بازار آمده و مورد عمل قرار گرفته و آن‌ها مشغول کار هستند، ولی تعدادی در اینجا- کسانی که مجذوب حرف آن‌ها هستند- تازه دارند آن دنباله‌ها را مطرح می‌کنند! بعضی می‌گویند تعبد پیش خدای متعال و پیش دین نداشته باشیم، اما خودشان در مقابل غرب و در مقابل اروپا و آمریکا تعبد دارند! این افراد تعبد در مقابل خدا را قبول نمی‌کنند، ولی تعبد در مقابل سرمایه‌داری غرب و دستگاه‌های قدرت سیاسی متکی به آن سرمایه‌داری را با جان و دل می‌پذیرند!

#### بیانات در دیدار جمعی از مداحان / ۱۳۸۲/۰۵/۱۷

امروز دستگاه‌های تبلیغاتی دنیا برای گمراه کردن انسانها دائم الگو جلوی چشم نسل‌های بشر در همه‌ی دنیا می‌آورند. البته الگوها کم‌جاذبه و ناموفق است، اما دست‌بردار نیستند؛ هنرپیشه می‌آورند، نویسنده می‌آورند، آدم‌های پرهیاهوی خوش‌ظاهر بدون باطن می‌آورند، هیکل‌های پوچ و بی‌معنا را می‌آورند و مرتب نمایش می‌دهند، تا بتوانند به وسیله این الگوها، انسانها را به سمتی حرکت بدهند و به راهی بکشند. آن‌ها برای این کار، پول‌ها خرج می‌کنند و فیلم‌های هالیوودی و چیزهایی از این دست که می‌بینید و می‌شنوید و می‌دانید، اغلب جهت‌دار است. بااینکه می‌گویند هنر بایستی فارغ از سیاست و جهت‌گیری سیاسی باشد، رفتار خودشان بعکس است و این‌جوری نیست؛ مستکبران عالم هنر، سینما، فیلم، شعر، نوشتن، مغز و استدلال و فلسفه را در راه منافع استکباری و چپاولگری خودشان استخدام کرده‌اند؛ همین چیزی که امروز مظاهر سرمایه‌داری دنیا است؛ قدرت نظامی‌اش امریکاست. قدرتهای اقتصادی‌اش هم شرکت‌های پشت سر دولت امریکایند. آن‌ها از همه‌ی امکانات استفاده می‌کنند برای الگوسازی، ملتها هم دستشان خالی است و الگو و نمونه‌ی که بتوانند در مقابله‌ی با آنچه که آن‌ها می‌آورند، از خودشان نشان بدهند، ندارند.

#### بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه / ۱۳۸۲/۰۵/۲۵

اسلام ما اسلام عقلانی است. عقل کاربرد بسیار وسیعی در فهم ما، تشخیص اهداف و تشخیص ابزارهای ما داراست. از عدالت هم به‌عنوان یک هدف به‌هیچ‌وجه صرف‌نظر نمی‌کنیم. اینکه تصور شود چون دنیا سرمایه‌داری مبتنی بر لیبرال دمکراسی برایش مساله‌ی عدالت، مساله‌ی فرعی و درجه‌ی دو و ابزاری است و برای آن‌ها مساله‌ی نفع و سود و پول مساله‌ی اصلی است، موجب نمی‌شود که ما از عدالت به معنای یک مساله‌ی محوری و اصلی صرف‌نظر کنیم. ما در قالب‌های اقتصادی و در کارکرد سیاست داخلی و خارجی‌مان، مساله‌ی عدالت محور است. اسلام ما این است؛ اسلام معنویت، عقلانیت و عدالت. به اسم اسلام قانع نیستیم که اسلام لیبرال داشته باشیم تا ارزشهای غربی و ارزشهای امریکایی را ترویج کند و از روش‌های آن‌ها استفاده کند و با آن‌ها در بخش‌های مختلف هم‌رنگ و هم‌صدا شود و احیانا دعای ندبه‌ای هم بخواند. ما اسلام متعجز طالبانی را هم قبول نداریم. نه اینکه حالا قبول نداریم، از اول جریان نهضت آن را قبول نداشتیم.

#### بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن / ۱۳۸۲/۰۶/۲۶



این خواندن و تلاوت قرآن، قدم اول است، قدم آخر نیست. اول، آشنایی و انس با قرآن لازم است. بعد، مفاهیم قرآنی را به صورت سطور قطعی و مجسم برنامه‌ی زندگی در مقابل چشم نگه داشتن، تا ما را به این طرف و آن طرف نکشانند؛ یک روز ما را به سمت کمونیسم بکشانند، یک روز به سمت لیبرالیسم؛ یک روز از سوسیالیسم بگویند، یک روز از سرمایه‌داری. قرآن را وقتی که یاد گرفتیم و با آن آشنا شدیم، نمی‌توانند ما را به این طرف و آن طرف بکشانند؛ چون خط روشن قرآن ما را هدایت می‌کند. و آن‌گاه، پیاده کردن این مفاهیم در واقعیت زندگی است.

#### بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۳/۰۸/۲۰

ممکن است شما بگویید مثلا در آمریکا یا انگلیس به نسبت جمعیت این کشورها فقیر وجود ندارد. این را نباید حساب کرد؛ باید نگاه کرد که دولت انگلیس در شبه قاره‌ی هند چقدر فقیر ایجاد کرده؛ یا فلان دولتی که استعمار آفریقا یا امریکا لاتین را داشته، آنجا چقدر فقر ایجاد کرده؛ یا امروز آمریکا با سعی نفوذ اقتصادی‌ای که در تمام دنیا دارد، چقدر فقر و گرسنگی و محرومیت در دنیا ایجاد کرده است. ملاک، این‌هاست. البته در خود این کشورها هم فقر و فقیر و فاصله‌ی طبقاتی بسیار زیاد وجود دارد؛ اصلا شگفت‌آور است. گاهی در آمارهای ما متأسفانه چیزهای بی‌ربط ساده‌لوحانه‌ی کوتاه‌بینانه‌ی دیده می‌شود که مثلا شکاف اقتصادی کشور ما از آمریکا یا از فلان‌جا بیشتر است؛ این‌ها حرفهای ناشی از ندانستن و جهل به واقعیت‌هاست؛ اصلا از واقعیت‌ها اطلاع ندارند. نخیر، دره‌ی اقتصادی در کشورهای سرمایه‌داری، وحشتناک و فوق تصور و از همه جای دنیا بیشتر است. علاوه بر این، آن‌ها را نباید در خود آن کشورها مقایسه کرد؛ بلکه باید در همه‌ی دنیا محاسبه کرد؛ چون دامنه‌ی نفوذ و اقتدار و حرکت این‌ها در همه‌ی دنیا است. ما فعلا نمی‌خواهیم در مسائل جهانی و بین‌المللی وارد شویم؛ خودمان را محاسبه کنیم. اگر می‌خواهیم دنیا آباد شود، باید خودمان را کنترل کنیم. من و شما که زمامدار و مدیر هستیم و اداره‌ی امور مالی و صنعتی و کشاورزی کشور دست ماست- یعنی گلوگاه‌های فعال کشور دست من و شماست- باید خود را کنترل کنیم. فقط شخص خود ما نیستیم؛ ما یعنی مجموعه. شما، یعنی شما و معاونان و مدیران و مسئولان اثرگذاران. البته ممکن است کسی در گوشه‌ی و در سطوح خیلی پایین خطایی بکند که قابل کنترل و پیشگیری و پیش‌بینی نباشد؛ آن بحث دیگری است؛ اما مجموعه‌ی که شما مدیر و رئیس و وزیر آن هستید، باید این خصوصیات را داشته باشد.

#### بیانات در دیدار مردم شهرستان رفسنجان / ۱۳۸۴/۰۲/۱۸

ملت‌های مسلمان تا قبل از آنکه انقلاب اسلامی به صحنه بیاید، می‌پنداشتند نام عدالت در اردوگاه چپ و سوسیالیستی است، و رفاه و پیشرفت مادی در اردوگاه راست- یعنی نظام سرمایه‌داری- قرار دارد. اسلام به صحنه آمد؛ وعده‌ی زندگی همراه با رفاه مادی و عدالت اجتماعی را به مردم داد و آن‌ها مجذوب این شعار و این حرکت عظیم شدند؛ لذا در تمام دنیای اسلام، نام انقلاب اسلامی و نام امام این انقلاب برای مردم به صورت یک خورشید درخشان و یک نقطه‌ی پرجاذبه درآمد. باینکه ما در سالهای نخستین انقلاب تبلیغات وسیعی هم در دنیای اسلام نداشتیم؛ اما هرکس از نظام جمهوری اسلامی به نقاط دور دست دنیا که مسلمانان در آنجا زندگی می‌کردند، سفر کرد، دید نام امام، نام انقلاب، نام نظام جمهوری اسلامی و این پرچم برافراشته، در اعماق قلب مردم مسلمان جا دارد. حتی بسیاری از ملت‌های غیر مسلمان به خاطر این شعار به اسلام جذب شدند. ما باید به این شعارها عمل کنیم. به صرف گفتن و تکرار کردن، نمی‌توان دلخوش بود که به آن هدف‌ها خواهیم رسید؛ باید این‌ها را در عمل و در تجربه‌ی میدانی و واقعی پیاده کنیم؛ این مسئولیت بزرگ مسئولان جمهوری اسلامی است. همه‌ی مسئولان به این معنا معتقد بوده‌اند و هستند و آن را دنبال می‌کنند؛ ولی باید تلاش و کار کنند تا این اهداف و آرمان‌ها تحقق پیدا کند.

#### بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان / ۱۳۸۴/۰۲/۱۹

در آمریکا، معنای آزادی رسانه‌ها، آزادی سخن گفتن بزرگ سرمایه‌داران است. عمده‌ترین مطبوعات، متعلق به آن‌هاست. مهم‌ترین چاپخانه‌ها و ناشران کتاب متعلق به سرمایه‌داران است. یکی از مسئولان کنونی در باره‌ی تسخیر لانه‌ی جاسوسی کتابی به زبان انگلیسی نوشته بود. این مسئول محترم خودش به من می‌گفت: به هر ناشری در آمریکا مراجعه کردیم، حاضر نشدند این کتاب را چاپ کنند؛ چون ناشران عمده، وابسته به دستگاه‌های سرمایه‌داری‌اند؛ بنابراین مجبور شدیم به کانادا برویم. در آنجا با زحمت توانستیم یک ناشر پیدا کنیم که این کتاب را چاپ کند. ایشان می‌گفت آن ناشر بعدا با من تماس گرفت و گفت از وقتی من تعهد کرده‌ام این کتاب را چاپ کنم و آن‌ها این را فهمیده‌اند، به من تلفن‌های تهدیدآمیز می‌شود و جان من را تهدید می‌کنند؛ آزادی واقعی بیان و آزادی انتخاب هم به معنایی که آن‌ها شعارش را می‌دهند، در آنجا نیست.

#### بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان / ۱۳۸۴/۰۲/۱۹

بنده دعوی اصلاح طلب و اصول‌گرا را هم قبول ندارم؛ من این تقسیم‌بندی را غلط می‌دانم. نقطه‌ی مقابل اصول‌گرا، اصلاح طلب نیست؛ نقطه مقابل اصلاح طلب، اصول‌گرا نیست. نقطه‌ی مقابل اصول‌گرا، آدم بی‌اصول و لاپالایی است؛ آدمی که به هیچ اصلی معتقد نیست؛ آدم هرهری مذهب است. یک روز منافع او یا فضای عمومی ایجاب می‌کند که به شدت ضد سرمایه‌گذاری و سرمایه‌داری حرکت کند، یک روز هم منافعیش یا فضا ایجاب می‌کند که طرفدار سرسخت سرمایه‌داری شود؛ حتی به شکل وابسته و نابابش! نقطه‌ی مقابل اصلاح‌طلبی، افساد است. بنده معتقد به اصول‌گرای اصلاح‌طلبیم؛ اصول متین و متقنی که از مبانی معرفتی اسلام برخاسته، با اصلاح روش‌ها به صورت روز به روز و نویه‌نو.

#### بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۴/۰۶/۰۸

بعضی‌ها می‌گویند عدالت یعنی توزیع فقر. نخیر، کسانی که بحث عدالت را می‌کنند، به هیچ‌وجه منظورشان توزیع فقر نیست؛ بلکه توزیع عادلانه‌ی امکانات موجود است. آن‌هایی که می‌گویند عدالت توزیع فقر است، مغز و روح حرفشان این است که دنبال عدالت نروید؛ دنبال تولید ثروت بروید تا آنچه تقسیم می‌شود، ثروت باشد. دنبال تولید ثروت رفتن بدون نگاه به عدالت، همان چیزی می‌شود که امروز در کشورهای سرمایه‌داری مشاهده می‌کنیم. در غنی‌ترین کشور عالم- یعنی آمریکا- کسانی هستند که از گرسنگی و از سرما و گرما می‌میرند؛ این‌ها که شعار نیست؛ واقعیت‌هایی است که مشاهده می‌کنیم. کسانی هستند که در آرزوی یک آپارتمان سه چهار اتاقه سال‌های سال تلاش می‌کنند و چون به جایی نمی‌رسند، می‌روند خیانت می‌کنند تا به این امکانات برسند.

#### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۴/۰۶/۱۱

امروز دنیای غرب و آمریکا و سیاست‌سازان تفکر غربی- صهیونیست‌ها و محافل سرمایه‌دار غربی- خوب می‌دانند که حرکت عظیم ملت فلسطین ناشی از گرایش آن‌ها به اسلام است. چون محور را اسلام قرار داده‌اند، شجاعت پیدا کرده‌اند و به معنای واقعی کلمه دل به مجاهدت داده‌اند. هرچا ملتی این روحیه را پیدا کند، هیچ قدرتی- قدرت نظامی و غیر نظامی- قادر به برخورد با آن‌ها و سرکوب آن‌ها نخواهد بود؛ این را خوب می‌فهمند. قضایای دنیای اسلام، همه موید این واقعیت است. این یک واقعیت مسلم است که امروز بیداری اسلامی، بلکه نهضت اسلامی، در دنیای اسلام یک حقیقت روشن است؛ هیچ‌کس نمی‌تواند این را انکار کند.

#### بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام نوزده دی / ۱۳۸۴/۱۰/۱۹

یک روز تفکرات چپ حاکم بود؛ مارکسیسم و سوسیالیسم در دنیا برای جوان‌ها جاذبه داشت؛ اما امروز نیست. یک روز تفکرات ناسیونالیستی و ملت‌گرایی‌های افراطی در دنیا دل بعضی را می‌برد؛ اما امروز این‌ها کهنه شده است. یک روز لیبرالیسم غربی و منطبق دولت‌های سرمایه‌داری دم از گسترش جهانی می‌زد و می‌گفت همه‌ی دنیا باید ما را بپذیرند؛ اما امروز لیبرال دموکراسی غرب خودش را با کارهای آمریکا مفتضح کرده است؛ اروپا هم همین‌طور است و آن‌ها هم شنیدن

حرفی را که برخلاف منافع ملی‌شان باشد، تحمل نمی‌کنند؛ روسری دختران مسلمان را نمی‌توانند تحمل کنند؛ امنیت شهروندان‌شان را به جرم مسلمان بودن، به جرم رنگین‌پوست بودن، نمی‌توانند تأمین کنند؛ این لیبرال دمکراسی غرب است. همین‌هایی که ادعا می‌کردند همه‌ی دنیا مال ماست؛ ماییم که باید فکر اساسی و ایدئولوژی جهانی را به مردم دنیا بدهیم (!) این رفتار خودشان است در اروپا و آمریکا؛ این‌ها دیگر حرفی برای گفتن ندارند.

#### بیانات در دیدار کارگران / ۱۳۸۵/۰۲/۰۶

یک مسئله مربوط به روابط و احساسات کارگر و کارفرماست. این روابط در اسلام، برخلاف روابط کارگر و کارفرما در مکاتب مادی است. در مکاتب مادی، چه مکتبهای سرمایه‌داری- که یکسره طرفدار سرمایه‌دارند و به کارگر مثل ابزار کار و ماشین نگاه می‌کنند- و چه در مکتب کمونیسم- که خود را طرفدار قشر کارگر می‌دانستند و وانمود می‌کردند که بهشت را برای کارگران در همین دنیا به ارمغان خواهند آورد و عملکردشان نشان داد که دوزخ زندگی را، نه فقط بر کارگر، بلکه بر دیگر قشرهای جامعه منتهب‌تر می‌کنند- در هر دو نظام (چه نظام سرمایه‌داری و چه نظام کمونیستی) رابطه‌ی کارگر و کارفرما، رابطه‌ی خصمانه است. در نظام سرمایه‌داری، رابطه، رابطه‌ی استثمارگری و فشار کار از آن ناحیه است؛ در نظام کمونیستی هم کارفرما را مثل یک شیطان مجسم و یک هیولائی تصویر می‌کردند؛ علتش هم این بود که می‌خواستند زمام همه‌ی منابع تولید و کارخانه‌ها را به دست دولت بدهند و خودشان بشوند کارفرمای بزرگ. همین کار را هم کردند و همین هم پدرشان را درآورد و نابودشان کرد؛ هم خودشان را نابود کرد و هم ملت‌هایشان را به خاک سیاه نشاند.

در اسلام این‌طوری نیست؛ در اسلام رابطه‌ی کارگر و کارفرما، رابطه‌ی دوتا دشمن نیست، رابطه‌ی دوتا همکار است؛ رابطه‌ی استثمارگری هم نیست؛ یعنی کارفرما سلطان کارگر نیست. در نظام سرمایه‌داری غربی، مالک امور، کارفرماست؛ حالا برای مصلحت ممکن است یک امتیازاتی هم برای کارگر قائل شود تا کار او را از دست ندهد؛ اما رابطه این است، او مثل ابزار کار است. نگاهش به کارگر، نگاه به یک انسان نیست، نگاه مثل یک ماشین است. اسلام این را قاطعانه رد می‌کند. کارگر و کارفرما دو عنصرند، هرکدام نباشند، کار زمین است. کارگر آن کسی است که بالمشاشره کار و محصول کار را تولید می‌کند؛ کارفرما آن کسی است که زمینه‌ی این تولید را فراهم می‌کند. او تولیدکننده‌ی کار و محصول کار است؛ این فراهم‌آورنده‌ی زمینه و کارآفرین است. او هم نباشد، کار لنگ می‌شود؛ کار لنگ می‌شود؛ کار لنگ می‌شود؛ مثل دو شریک، مثل دو هم‌سنگر. این نگاه اسلام است. هر دو باید نسبت به هم صداقت و محبت و صفا داشته باشند؛ هم کارفرما نسبت به کارگر، هم کارگر نسبت به کارفرما. حق هرکدام به وسیله‌ی آن دیگری رعایت شود. اگر این شد، که این نگاه اسلام است؛ هم حرمت سرمایه‌گذار و کارآفرین و کارفرما باقی و محفوظ می‌ماند؛ هم حرمت کارگر و کننده‌ی کار و حاضر در صحنه. حرمت و حق هر دو محفوظ است و کشور هم به سوی اعتدال پیش می‌رود. رابطه‌ی کارگر و کارفرما این است. کارگران قدر کارفرما را بدانند، کارفرماها هم قدر کارگران را بدانند؛ مثل دو همسنگری که اگر هرکدام آسیب ببینند، آن دیگری هم آسیب خواهد دید؛ مسئله این است. تنظیم این روابط هم به عهده‌ی مسئولان کشور است؛ چه آن‌هایی که قانون می‌گذارند و چه آن‌هایی که قانون را اجرا می‌کنند. این هم یک مطلب است که باید مورد توجه باشد.

#### پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۸۵/۱۰/۰۸

اکنون دولت آمریکا و سرمایه‌سالاری غرب و فعالان مفسد صهیونیست حقیقت زنده‌ی بیداری اسلامی را حس می‌کنند و با اعتراف به این که سلاح و قدرت نظامی در برابر این حقیقت، کارآئی ندارد، همه‌ی توان خود را در حيله‌ها و شیوه‌های سیاسی به کار می‌گیرند.

#### بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۲۴ قانون اساسی / ۱۳۸۵/۱۱/۲۰

نویسندگان قانون اساسی و اصل ۲۴، هم هوشمند بودند، هم منصف؛ به نظر بنده. ما با بیشتر این‌ها از نزدیک کار کرده بودیم. در محصول کار هم که همین اصل ۲۴، اصل ۲۳ و این‌هاست، کاملاً پیداست که این‌ها هم مردمان هوشمندی بودند، هم مردمان باانصافی بودند. این‌ها آن چیزی را که از نظرشان به شکل کلی درست هم هست، خط میانه‌ی بین اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد سوسیالیسم شناخته بودند و این را در قالب آن سه محور اصلی مالکیت، در اصل ۲۴ ریختند. مالکیت‌های اختصاصی دولتی، مالکیت تعاونی، و مالکیت بخش خصوصی؛ این‌ها را تقسیم‌بندی کردند. بعد، در ذیلش برای این، دو سه تا شرط قرار دادند. یکی از شرطها این است که این تقسیم‌بندی با این مصادیق- که مصادیق را ذکر کردم- باید موجب رشد و توسعه‌ی اقتصاد بشود؛ باید مایه‌ی زبان نباشد. یعنی اگر یک روزی مسئولان کشور تشخیص دادند که این تقسیم‌بندی، مایه‌ی زبان است؛ موجب رشد اقتصادی نیست، این قانون دیگر در آن روز، بدین شکل اعتبار ندارد و به شکلی که منطبق بر مصلحت باشد، انطباق دارد. این، هوشمندی و انصاف آن‌ها را می‌رساند.

#### بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد / ۱۳۸۶/۰۲/۲۵

غربی‌ها هیچ مایل نبودند و نیستند که غیر غربی وارد باشگاه علمی غرب شود. این کشورهای آسیائی که الآن پیشرفت کرده‌اند- مثل ژاپن، مثل چین، مثل تا حدودی هند- غرب به هیچ‌کدام از این‌ها کمکی نکرد. چین در کشمکش‌های شدید شرق و غرب- کمونیسم و دنیای سرمایه‌داری- از طرف شوروی آن روز سخاوتمندانه مورد حمایت قرار گرفت؛ حتی انرژی هسته‌ای‌اش را روس‌ها دادند. چین هیچ چیز نداشت؛ شوروی‌ها چون می‌خواستند یک جبهه‌ی آسیائی بزرگی در مقابل آمریکا و اروپا تشکیل بدهند، چین را تجهیز کردند؛ چون چین کمونیستی بود، تجهیزش کردند. هند هم در درجه‌ی بعد همین‌طور؛ یعنی در جبهه‌بندی‌های شرق و غرب، هند گرایش به چپ داشت، شوروی‌ها- چپ‌ها- کمکش کردند. آمریکایی‌ها متقابلاً پاکستان را تقویت می‌کردند. البته پاکستان هم انرژی هسته‌ای را خودش به وجود نیاورد، آن‌ها از چین گرفتند؛ اما آمریکا چشمش را بست و در موازنه‌های سیاسی منطقه‌ای به رو نیاورد. ژاپن، پیشرفت علمی خودش را به کمک آمریکا و غرب به دست نیاورد؛ ژاپنی‌ها توانستند نفوذ علمی کنند- شاید تعبیر سرعت، تعبیر خوبی نباشد- و توانستند علم را به شکلی که طرف راضی نیست، از او بیاورند؛ منتها ملت سخت‌کوشی بودند و خودشان را پیش بردند؛ غرب به آن‌ها کمکی نکرد.

#### بیانات در دیدار نخبگان جوان / ۱۳۸۶/۰۶/۱۲

شما امروز لحن کسانی را که بر کرسیهای سیاسی‌ای سوارند که پایه‌های آن بر روی سرمایه و علم منحرف- سرمایه‌داری- قرار گرفته، ببینید. دولت‌های غربی الآن این‌جورینند. حالا در قله‌ی قدرتهای غربی، آمریکا است. کرسی قدرت پایه‌هایش بر روی کارت‌ها و تراست‌های سرمایه‌داران قرار دارد و ابزارش علم است. از سلاح به وسیله‌ی علم استفاده می‌کنند؛ از جاسوسی و دزدی اطلاعات به وسیله‌ی علم استفاده می‌کنند؛ از زد و بند در جاهای مختلف دنیا به وسیله‌ی علم استفاده می‌کنند. ببینید سران این‌جور کشورها که این‌جور علم منحرف دارند، لحنشان چیست؟ شنیدید این سخنرانی چند روز قبل رئیس‌جمهور آمریکا را که چقدر نفرت‌انگیز، چقدر خشونت‌طلبانه و متکبرانه بود. همین غرور و تکبر روز به روز هم دارد این‌ها را در گرداب فرومی‌برد. امروز شما این را بدانید- من حالا دارم به شما می‌گویم. شما آن روز را خواهید دید؛ آن‌روز ماها نیستیم، اما شما جوانها آن روز را خواهید دید- که این تمدن بناشده‌ی بر این پایه‌ی غلط، در گرداب دارد فرومی‌رود؛ دارد لحظه به لحظه در باتلاق پائین‌تر می‌رود و سقوط خواهد کرد؛ بدون شک. همین غرور هم، همین تکبر ابلهانه و احمقانه هم یکی از عوامل همان سقوطی است که انتظار این‌ها را می‌کشید. این‌ها سقوط می‌کنند. یک هارت‌وهورتی امروز می‌کنند؛ اما در سرانسیب دارند حرکت می‌کنند، خودشان هم ملتفت نیستند؛ البته هوشیارهاشان چرا. هوشمندانشان سالهاست فریاد می‌کشند، هشدار می‌دهند؛ زنگ خطر! منتها کیست که بشنود؛ مستند. مست.

#### بیانات در دیدار کارگران و کارآفرینان / ۱۳۸۷/۰۲/۰۲

در منطق کشورهای سرمایه‌داری، کارگر یک ابزار است؛ وسیله‌ای است در خدمت کارفرما. در منطق آن مکتبهای مضمحل‌شده و نابودشده‌ای که ادعای طرف‌داری از

کارگر می‌کردند، وجود جنگ میان کارفرما و کارگر بود. از این جنگ بود که آن نظامها می‌خواستند نان بخورند و اسمشان را بگذارند مدافعین کارگر. آن وقت در نظام به اصطلاح سوسیالیستی شوروی سابق، همان بساط سرمایه‌داری، همان اسرافها، همان فسادهای گوناگون مالی به اسم کارگر و به نام دفاع از طبقه کارگر وجود پیدا کرده بود. منطقشان، منطق تضاد و تعارض بود. اسلام و نظام اسلامی و جمهوری اسلامی هیچ‌یک از این دو طریق را قبول ندارد؛ معتقد است که این دو عامل، یعنی عامل کارآفرینی و ایجاد بنگاه‌های اشتغال و کارآفرینی یک بازوست، وجود نیروی کار یک بازوی دیگر است. این‌ها باید هر دو باشند و همکاری کنند. نقش دولت، ایجاد یک خط عادلانه میانه برای این همکاری است؛ ظلم نشود. نه آن‌ها به این‌ها تعرض کنند، نه این‌ها از کار آن‌ها کم بگذارند؛ هیچ‌کدام به حقوق یکدیگر تعرض نکنند. اگر این‌جور باشد، آن وقت جامعه با سلامت و صفا پیش خواهد رفت؛ نه آن پرخوری‌ها و اسرافها و زیاده‌روی‌ها فرهنگ رائج خواهد شد، نه محرومیت یک طبقه برای آن طبقه فرهنگ ثابت خواهد شد. این، منطق نظام جمهوری اسلامی است.

#### بیانات در دیدار مردم شیراز / ۱۳۸۷/۰۲/۱۱

اردوگاه سرمایه‌داری و استعماری با همه‌ی توان سیاسی خود، با همه‌ی قدرت مالی و اقتصادی خود و با همه‌ی شبکه‌های تبلیغاتی خود، دارد فشار می‌آورد تا شاید بتواند ملت ایران را وادار به عقب‌نشینی و تسلیم بکند؛ نه فقط از حق هسته‌ای- حق هسته‌ای یکی از حقوق ملت ایران است- بلکه می‌خواهند ملت ایران را از حق عزتش، از حق استقلالش، از حق قدرت تصمیم‌گیری و از حق پیشرفت علمیش، وادار به عقب‌نشینی کنند. ملت ایران امروز در جاده‌ی پیشرفت علمی و پیشرفت فناوری افتاده و می‌خواهد دو قرن عقب‌افتادگی خود را در دوران طاغوتها، جبران کند. این‌ها دستپاچه شده‌اند و نمی‌خواهند ملت ایران- که در این نقطه‌ی حساس دنیا قرار گرفته است و به عنوان پرچمدار اسلام شناخته شده- به این توفیقات دست پیدا کند؛ لذا فشار می‌آورند. اما ملت ایران ایستاده است.

#### بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی / ۱۳۸۷/۰۶/۰۵

هیچ کشوری از این کشورهایی که در زمینه‌های مختلف چنین پیشرفت‌هایی پیدا کرده‌اند، مثل کشور ما نیست! ما مظلومانه، تنها و در بین این همه دشمنیها- در حالی که هم شرق کمونیستی و هم غرب سرمایه‌داری با ما به جد دشمن بودند؛ اروپا هم که مایل بود یک نقش مثلا میانه‌ای ایفا کند، هیچ‌گونه کمکی به ما نکرد، بلکه ضربه هم زد- این جوانهای باهوش و زیرک و احیانا بسیار زبل از میان ملت ما، توانستند این نهالها را رشد بدهند و به ثمر برسانند. کارهای بزرگی شده؛ این خیلی امیدبخش است. در آینده هم می‌توانید این کارها را انجام بدهید. لذا من نگاهم به آینده، نگاه خیلی خوبی است؛ اگرچه وضع کنونی را قابل تحسین می‌دانم، اما به‌هیچ‌وجه قناعت به این وضع را مجاز نمی‌شم، برای هیچ‌کس؛ نه برای دولتی‌ها، نه برای خود شما جوانها، نه برای اساتیدتان. ما هنوز خیلی باید راه برویم؛ خیلی باید حرکت کنیم. فاصله‌ی ما هنوز با آن قله‌ها- حتی، برخی پائین‌تر از قله‌ها- زیاد است. باید این فاصله‌ها را طی کنیم.

#### پیام نوروزی رهبر انقلاب به مناسبت آغاز سال ۱۳۸۸ / ۱۳۸۸/۰۱/۰۱

سال ۸۷ که بر ما گذشت، سال بسیار پرماجرانی بود؛ هم در زمینه‌ی مسائل بین‌المللی، و هم در زمینه‌ی مسائل کشور. در سطح بین‌المللی حوادث بزرگ و مهمی اتفاق افتاد که بی‌گمان در مجموعه‌ی سیاستهای جهانی دارای تاثیرات عمیق و موثری است، که از جمله‌ی آن‌ها در زمینه‌ی اقتصادی، بحران عظیم مالی و اقتصادی است که از کشور آمریکا شروع شد و به اروپا و دیگر کشورها و از جمله به کشورهای منطقه‌ی ما رسید. این مسئله برای مردم جهان، مسئله‌ی بسیار مهمی است؛ نه فقط در زندگی روزمره‌ی آن‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی آن‌ها تاثیر می‌گذارد، بلکه در دیدگاه‌های آن‌ها نسبت به نظریات اقتصادی و اقتصاد سرمایه‌داری احتمالا تاثیرات شگرفی را بر جای خواهد گذاشت. خوشبختانه کشور ما و ملت ما توانستند تا حدود زیادی از آثار زیانبار این طوفان سهمگین جهانی خود را برکنار بدارند، و البته همچنان مراقبتهای لازم بایستی ادامه پیدا کند.

#### بیانات در دیدار مردم مریوان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۶

مرور همه‌ی دنیا شاهدند که سیستم سرمایه‌داری غرب، چقدر در مقابله‌ی با حوادث و بحرانها توخالی و ناتوان است. خود این سیستم بحران‌آفرین است و وقتی بحران به وجود می‌آید، از خودش نمی‌تواند دفاع کند. این سیستم اقتصادی غرب است که همه‌ی افتخارشان به این سیستم اقتصادی بوده است؛ اقتصاد سرمایه‌داری. و سعی داشته‌اند این سیستم را به هزار شیوه و هزار زبان، به عنوان نسخه‌ی منحصربه‌فرد اقتصاد، به ملت‌ها تحمیل کنند.

#### بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۷

جهانی شدن، اسم خیلی فشنگی است و هر کشوری فکر می‌کند بازارهای جهانی به رویش باز می‌شود. اما جهانی شدن به معنای تبدیل شدن به یک پیچ و مهره‌ای در ماشین سرمایه‌داری غرب، نباید مورد قبول هیچ ملت مستقلى باشد. اگر قرار است جهانی شدن به معنای درست کلمه تحقق پیدا بکند، باید کشورها استقلال خودشان- استقلال اقتصادی و استقلال سیاسی- و قدرت تصمیم‌گیری خودشان را حفظ کنند؛ و الا جهانی شدنی که ده‌ها سال پیش از طریق بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی و امثال این‌ها- که همه ابزارهای آمریکائی و استکباری بودند- به وجود آمده، ارزشی ندارد. بنابراین، یک اصل مهم، مسئله‌ی استقلال است؛ که اگر این نباشد پیشرفت نیست، سراب پیشرفت است.

#### بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۸۸/۰۷/۰۲

اسلام آمریکائی فقط آن نیست که آمریکاسند باشد؛ هر چیزی که خارج از این اسلام ناب است؛ اسلام سلطنتی هم همین‌جور است، اسلام التقاطی هم همین‌جور است، اسلام سرمایه‌داری هم همین‌جور است، اسلام سوسیالیستی هم همین‌جور است، اسلام‌هایی که با شکلها و رنگهای مختلفی عرضه بشود و آن عناصر اصلی در او وجود نداشته باشد، همه‌اش مقابل اسلام ناب است؛ در واقع اسلام آمریکائی است. انسان مشاهده می‌کند در این معارضه‌هایی که با نظام در طول این سالی انجام گرفته، این اسلام‌های گوناگون حضور داشته‌اند؛ هم اسلام التقاطی وجود داشته، هم اسلام سلطنتی وجود داشته، هم اسلام سوسیالیستی وجود داشته؛ انواع و اقسام این اسلامها در مواجهه‌ی با نظام جمهوری اسلامی وجود داشته‌اند. خوب، در این نگاه به اسلام و درک و فهم از اسلام، فرد و جامعه باهم ملاحظه می‌شوند، معنویت و عدالت باهم ملاحظه می‌شوند، شریعت و عقلانیت با یکدیگر ملاحظه می‌شوند، عاطفه و قاطعیت در کنار هم دیده می‌شوند؛ این‌ها همه باید باشد. قاطعیت در جای خود، عواطف در جای خود، شریعت در جای خود، عقلانیت- که آن هم خارج از شریعت البته نیست- در جای خود؛ همه در کنار هم بایستی مورد استفاده قرار بگیرند؛ انحراف از این منظومه‌ی مستحکم، موجب انحراف از نظام اسلامی خواهد بود.

#### بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان / ۱۳۸۸/۱۱/۲۸

سردمداران کشورهای مستکبر- چند تا دولت مستکبر- می‌نشینند در باره‌ی نظام جمهوری اسلامی اظهار نظر می‌کنند و این‌جور وانمود می‌کنند که جامعه‌ی جهانی با جمهوری اسلامی مخالف است. کدام جامعه‌ی جهانی؟ کدام جمهوری اسلامی مخالف است؟ چهار تا، پنج تا دولت مستکبر- که غالیا ملت‌های خودشان هم حرف آن‌ها را قبول ندارند- با نظام اسلامی، با جمهوری اسلامی مخالفند. نظام‌هایی که در پنجه‌ی کمپانی‌دارهای صهیونیست است، توی مشت زالوهای بین‌المللی است، البته که با جمهوری اسلامی- که فریاد عدالت سر داده است- مخالفند؛ باید هم مخالف باشند. آن روزی که شبکه‌ی اختاپوسی سرمایه‌داری جهانی از ما تعریف کند و با ما مخالف نباشد، آن روز ما باید عزا بگیریم.

### بیانات در دیدار کارگران نمونه سراسر کشور / ۱۳۸۹/۰۲/۰۸

اهمیت به تلاش و فعالیت کارگر است؛ فهمیده بشود که این یک جهاد است؛ این مهم است. کارگر در پشت دستگاه، یا در حین طراحی و نقشه‌برداری، یا در کار در مزرعه، یا در هر نقطه‌ای که کار دارد تولید می‌شود و محصولی دارد به وجود می‌آید، باید احساس کند و بداند که یک عمل بزرگ را، یک عمل مهم را، یک ارزش را دارد به وجود می‌آورد؛ اسلام این را می‌خواهد بیان کند. این، اعتقاد قلبی ماست. خیلی فاصله است بین این نگاه و نگاه دنیای مادی، اعم از دنیای سرمایه‌داری یا دنیای سوسیالیستی که به کارگر به عنوان یک ابزار نگاه می‌کند. امروز در دنیای سرمایه‌داری، گاهی بعضی از کارگرها از لحاظ برخورداری مادی و وضعیتشان هم خوب است- البته عمومیت ندارد، بعضا این‌جور است که وضعیتشان خوب است- لیکن همان هم از چشم کارفرما، از چشم سیاست‌گذاران کار و تولید، یک ابزار است؛ مثل یک پیچ و مهره؛ تا وقتی ارزش دارد که بتواند به آن‌ها ارزش مادی تحویل بدهد، پول تحویل بدهد. خیلی فاصله است بین این نگاه به کارگر، و این نگاه که کارگر را یک مجاهد فی سبیل الله می‌داند؛ برای کاری که او انجام می‌دهد، فراتر از همه‌ی اجرهای مادی، یک اجر الهی، یک ارزش الهی، یک پاداش الهی در نظر می‌گیرد؛ این‌ها خیلی باهم فاصله دارد؛ این لازم است، این آن نیاز حقیقی است.

### بیانات در دیدار کارگران نمونه سراسر کشور / ۱۳۸۹/۰۲/۰۸

مسئله‌ی دیگر در زمینه‌ی کار، رابطه‌ی کارگر و کارفرماست. هر دو روشی که در دنیای متعارف زمان ما معمول بود- روش سوسیالیستی و روش سرمایه‌داری- غلط است. در منطق تفکر سوسیالیستی، کارگر و کارفرما دوتا دشمن بودند در مقابل هم؛ دوتا دشمن، به خون هم تشنه؛ این تحلیلشان بود. راه حلی هم که نشان دادند، راه حل ضایع باطل غلطی بود؛ مالکیت دولت بر همه‌ی منابع تولید و ابزارهای تولید؛ که بعد از گذشت چند دهه، به آن فضاقت انجامید. آن یک نگاه بود، که نگاه دشمنی و ستیزه‌گری بین کارگر و کارفرما بود. نگاه دیگر، نگاه منطق غربی است که کارفرما سلطان کارگر است، صاحب‌اختیار کارگر است، کارگر ابزاری است در دست او و در اختیار او. این هم تحقیر شخصیت انسان است؛ غلط اندر غلط. هر دو نگاه، غلط است.

### بیانات در دیدار کارگران نمونه سراسر کشور / ۱۳۸۹/۰۲/۰۸

دنیایی هم که در مقابل ایران صف‌آرایی می‌کند و دندان نشان می‌دهد و پنجه‌ی خونین حواله می‌کند و بد اخلاقی می‌کند و در همه‌ی جاهانی که دستش برسد، می‌خواهد یک اشکالی ایجاد کند، دنیای استکباری است؛ دنیای تحت تاثیر و در مشت نظام سرمایه‌داری ظالم و ستمگر است. این را نمی‌تواند تحمل کند، چون این از قاعده‌ی آن‌ها خارج است؛ لذا با او دشمنی می‌کند، که می‌بینید دشمنی‌ها را در این سی سال. آنچه که کم نبوده و همه دیده‌اند و چشمشان پر است، دشمنی‌ها و عنادها و خباثت‌های دشمنان ماست. آن‌ها نتوانستند کاری بکنند، بعد از این هم مطمئن باشید هیچ کاری نمی‌توانند بکنند.

### بیانات در دیدار دانشجویان در یازدهمین روز ماه رمضان / ۱۳۸۹/۰۵/۲۱

ما داریم جلو می‌رویم، داریم پیشرفت می‌کنیم. دشمنان ما منحنی‌شان به طرف ضعف است، منحنی ما به طرف قوت است. نظام طاغوتی، نظام سرمایه‌داری متجاوز و ظالم در دنیا- که مظهرش رژیم ایالات متحده‌ی آمریکا است- امروز از ده سال پیش و از بیست سال پیش، بسیار ضعیف‌تر است. در نقطه‌ی مقابل، تفکر اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، امروز از ده سال پیش، از بیست سال پیش، بسیار قوی‌تر و بسیار پیشرفته‌تر و بسیار آماده‌تر است.

### بیانات در دیدار دانشجویان در یازدهمین روز ماه رمضان / ۱۳۸۹/۰۵/۲۱

خوشبختانه روند پیشرفت در کشور، در زمینه‌های مختلف، روند خوب و مطلوبی است. روند عدالت هم خوب است. خوب، این دهه، دهه‌ی پیشرفت و عدالت نامیده شده است. پیشرفت که گفتیم، پیشرفت علمی است، پیشرفت فناوری است، پیشرفت سیاسی است، پیشرفت اخلاقی است؛ همه‌ی اینها مورد نظر است. خوب، یک کارهای خوبی دارد انجام می‌گیرد؛ لاف‌ل زیرساخت‌هایی برای کارهای بزرگ و جهشها دارد فراهم می‌شود. در مورد عدالت هم حداقل این است که این تفکر دارد همه‌گیر می‌شود؛ یعنی همه معتقد می‌شوند به اینکه باید دنبال عدالت رفت، باید عدالت را اجرایی کرد، باید این آرزوها را اجرایی کرد، در محیط اجرا وارد کرد - که توی صحبت‌های دوستان هم بود - این خودش پیشرفت است، البته این معنایش این نیست که ما به این مقدار پیشرفت در زمینه‌ی عدالت قانع هستیم؛ نه، آرزو و همت خیلی بالاست؛ آرزوها بالاست، هم‌ت‌ها هم بالاست؛ اما می‌خواهم به شما عرض کنم که ما داریم جلو می‌رویم، داریم پیشرفت می‌کنیم. دشمنان ما منحنی‌شان به طرف ضعف است، منحنی ما به طرف قوت است. نظام طاغوتی، نظام سرمایه‌داری متجاوز و ظالم در دنیا - که مظهرش رژیم ایالات متحده‌ی آمریکا است - امروز از ده سال پیش و از بیست سال پیش، بسیار ضعیف‌تر است. در نقطه‌ی مقابل، تفکر اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، امروز از ده سال پیش، از بیست سال پیش، بسیار قوی‌تر و بسیار پیشرفته‌تر و بسیار آماده‌تر است.

### بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۰

یک مسئله این است که فساد رژیم سرمایه‌داری برای آن مردم، محسوس و عینی شده است. ممکن است این حرکت را سرکوب کنند، اما نمیتوانند ریشه‌های این حرکت را از بین ببرند؛ بالاخره یک روزی این حرکت آنچنان خواهد بالید که نظام سرمایه‌داری آمریکا و غرب را بکلی به زمین خواهد زد.

رژیم فاسد سرمایه‌داری نه فقط به مردم کشورهای افغانستان و عراق و بقیه‌ی جاها رحم نمی‌کند، بلکه به مردم خودش هم رحم نمی‌کند. مردم در این اجتماعات و تظاهرات چندین هزار نفری نیویورک یک تابلویی بلند کردند که رویش نوشته بود: «ما ۹۹ درصدیم». یعنی ۹۹ درصد ملت آمریکا - اکثریت ملت آمریکا - محکوم یک درصدند. جنگ عراق و افغانستان را آن یک درصد راه می‌اندازد، اما کشته و غرامتش را آن ۹۹ درصد میدهد. این آن چیزی است که مردم را بیدار کرده، وادار به اعتراض کرده. البته شیوه‌های تبلیغاتی و جنگ روانی مسئولان آمریکائی و سازمان سیا و دیگران، شیوه‌های بسیار قهار و جباری است؛ ممکن است بر اینها فائق بیایند؛ اما بالاخره حقیقت قضیه روشن شد و بیشتر روشن خواهد شد. با این همه ادعا، رژیم سرمایه‌داری این است؛ لیبرال دموکراسی غرب این است.

حمایت از اسرائیل را همین یک درصد می‌کنند. مردم آمریکا انگیزه و علاقه‌ای به حمایت از اسرائیل ندارند، که پول بدهند، مالیات بدهند، خرج کنند، برای اینکه بتوانند غده‌ی سرطانی اسرائیل، دولت جعلی اسرائیل را در یک منطقه‌ای سر پا نگه دارند. بعد هم نوع برخوردشان؛ آن از کتمان و مسکوت نگهداشتن، بعد هم شدت عمل؛ هم در آنجا، هم در بعضی کشورهای اروپائی. در انگلیس آنچنان شدت عملی به خرج دادند که ده یک آن را انسان در کشورهای عقب‌افتاده‌ای که نظامهای دیکتاتوری با مردم برخورد می‌کنند، مشاهده نمی‌کند. اینها آن وقت مدعی طرفداری از حقوق بشر، مدعی آزادی بیان، مدعی آزادی اجتماعات، مدعی همه‌ی مردم دنیایند. آن کسانی که توصیه می‌کردند ما روشهای نظام سرمایه‌داری را دنبال کنیم، آنها را یاد بگیریم، آنها را عمل کنیم، به این واقعیتها نگاه کنند، ببینند که نظام سرمایه‌داری چیست؛ بن‌بست کامل. امروز نظام سرمایه‌داری در یک بن‌بست کامل است. ممکن است نتایج این بن‌بست سالها بعد به نتایج نهائی برسد، اما بحران غرب به طور کامل شروع شده.

### بیانات در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۰

در مرکز مالی آمریکا، در پایتخت اقتصادی آمریکا، یعنی در نیویورک، آن هم در خیابان «وال استریت» که کانون اصلی سرمایه‌داری دنیاست، هزاران نفر جمعیت جمع بشوند، بگویند ما سرمایه‌داری را نمی‌خواهیم. اینها نه مهاجرند، نه همه سیاه‌پوستند، نه از طبقات پائین جامعه‌اند؛ در میانشان استاد دانشگاه هست،

سیاستمدار هست، گروه‌های دانشجویی به اینها پیوسته‌اند؛ میگویند ما نظام کاپیتالیستی را نمیخواهیم. خب، این همین حرف ماست؛ ما هم که از اول گفتیم «نه شرقی، نه غربی»، یعنی نه نظام کاپیتالیستی، نه نظام سوسیالیستی؛ آن سوسیالیستی‌اش بود که به جهنم رفت، این هم دارد یواش یواش سرازیر میشود. بعد از این حادثه، اقبال به اسلام بیشتر خواهد شد. این هم یک موج دیگر است؛ موج سوم است.

#### بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۲

امروز بسیاری از مشکلاتی که در کشورهای اروپایی، مثل انگلیس، مثل فرانسه، مثل آلمان، مثل ایتالیا وجود دارد، ناشی از این است که سیاستهای شبکه‌ی خبیث صهیونیستی بر دولت‌های این کشورها حاکم است. اینها از سرمایه‌داران و کمپانی‌داران صهیونیست که در دنیا زیادند، چشم میزنند و حساب میبرند. در آمریکا هم همین جور است. تملق‌گوئی به صهیونیستها، یک شیوهی معمول در بین قدرتمندان آمریکاست. در اروپا هم کم و بیش همین جور است. وقتی ملت‌ها - چه ملت آمریکا، چه ملت‌های اروپا - بدانند که خیلی از این بدبختی‌ها ناشی از سلطه‌ی شیطان‌ی و اهریمنی این شبکه است، یقیناً انگیزه‌شان بیشتر خواهد شد، حرکتشان شدیدتر خواهد شد. ممکن است امروز آمریکا با پلیس، بلکه با ارتش، مردم را سرکوب کند - که سابقه هم دارد؛ چند سال قبل از این در شیکاگو یک حرکتی به وجود آمد، ارتش را وارد کردند؛ گمان زمان کلینتون بود، حاکمیت آن مجموعه‌ی قبل از بوش - هیچ ابائی نداشتند؛ ارتش را وارد میکنند، مردم را سرکوب میکنند، میزنند، میکشند، زندانهای سخت میکنند؛ این حرکت سرکوب میشود، اما از بین نمیرود؛ آتش زیر خاکستری خواهد ماند و یک روزی آنچنان شعله خواهد کشید که همه‌ی این بنای پوشالی استکباری و سرمایه‌داری را خواهد سوزاند و خاکستر خواهد کرد.

#### بیانات در دیدار نخبگان و برگزیدگان کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۶

برجستگی‌های یک جامعه در این زمینه‌های ذهنی و فکری و علمی باید در خدمت تعالی انسان قرار بگیرد. امروز در دنیا اینچور نیست؛ امروز در دنیا نه علم در خدمت تعالی انسان است، نه هنر و نه بقیه چیزها. خب، یک نمونه هنر، سینماست. قله‌ی سینما دنیا، هالیوود است. این دستگاه‌های هنری دنیا چقدر به اخلاق بشری، به معنویت انسان، به امیدبخشی به انسان کمک میکنند؟ عکس قضیه است؛ نمیشود گفت صفر، مبالغی زیر صفر؛ یعنی بنیانهای اخلاقی را، بنیانهای فکری را، تعالی بشری را تخریب میکنند. امروز در دنیا، هنر در خدمت تعالی انسان نیست؛ علم هم همین جور. علم در خدمت سرمایه‌داری است، در خدمت ثروت‌اندوزان است. دانش بشری امروز در خدمت کسانی است که کمپانی‌های بزرگ اقتصادی مال اینهاست؛ جنگها را اینها راه می‌اندازند، انسانها را اینها میکشند، کشتارهای جمعی را اینها میکنند؛ علم در خدمت اینهاست. علم در خدمت مردم محروم افغانستان نیست. علمی که به افغانستان رفته، همان هواپیمائی است که بالای سرشان می‌رود، بمبارانشان میکند. علمی که آن روز به عراق آمد، ابزارهای شیمیائی بود که حلیچه را به آن روز درآورد. در این مناطق، علم اینجوری است. علم در خود کشورهای غربی هم همین طور است. بله، ثروت یک جمعی را، یک اقلیتی را بالا برده؛ خود آن ثروت موجب شده که علم پیشرفت پیدا کند؛ اما علم شده یک ابزاری برای تبعیض و عدم تعادل اجتماعات و عقب‌رفتگی اجتماعات. ما باید این را برگردانیم.

#### بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۹۰/۰۸/۱۱

امروز در خود آمریکا، در خود کشورهای غربی، در خود نظام سرمایه‌داری و به اصطلاح لیبرال‌دموکراسی - که هم «لیبرال»‌اش دروغ است، هم «دموکراسی»‌اش دروغ است - اینها شکست‌خورده‌اند. امروز مردم آمریکا در سرتاسر ایالات آمریکا، و مردم در هشتاد کشور جهان علیه این نظام ایستادگی کردند. ممکن است مردم را سرکوب کنند، اما این آتش خاموش نخواهد شد. نمیتوانند دفاع کنند؛ دستشان خالی است. دنیا جریان دیگری پیدا کرده است و بدانید به حول و قوه‌ی الهی، مبارزه‌ی حق - که با سردمداری ملت ایران و با پرچم اسلام آغاز شده است - با باطل، با طاغوتها، با فرعونها و با فرعون استکبار، تا سرنگونی استکبار ادامه پیدا خواهد کرد.

تحلیلگران - به قول خودشان - در اتاقهای فکرشان می‌نشینند مطالعه میکنند، بررسی میکنند، می‌بینند نقطه‌ی کانونی و مرکزی این حرکت، جمهوری اسلامی است؛ لذا متوجه شماها میشوند؛ متوجه جوانهای ما، متوجه مسئولان ما که محکم ایستادند و این راه را با جرات، با قدرت، با توکل به خدا، با خوشبینی به آینده و با امید تمام دارند ادامه میدهند.

#### خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی / ۱۳۹۰/۱۱/۱۲

دو قطبی سرمایه‌داری و کمونیسم که جنگ بر سر قدرت و ثروت بود، پایان یافت و امروز دو قطبی میان مستضعفین جهان به رهبری جنبش مسلمین با مستکبران به رهبری آمریکا و ناتو و صهیونیسم است. دو اردوگاه اصلی تشکیل شده است و اردوگاه سومی وجود ندارد.

#### خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی / ۱۳۹۰/۱۱/۱۲

به اسلام مطلوب واشنگتن و لندن و پاریس بدبین باشید؛ چه از نوع لائیک و غربگرا، و چه از نوع متحجر و خشن آن. به اسلامی که رژیم صهیونیستی را تحمل میکند، ولی با مذاهب اسلامی دیگر بیرحمانه مواجه میشود، دست آنتی به سوی آمریکا و ناتو دراز میکند، ولی در داخل به جنگهای قبیله‌ای و مذهبی دامن میزند و اشدا با مومنین و رحما با کفار است، اعتماد نکند. به اسلام آمریکائی و انگلیسی بدبین باشید، که شما را به دام سرمایه‌داری غرب و مصرف‌زدگی و انحطاط اخلاقی میکشاند. در دهه‌های گذشته، هم نخبگان و هم حاکمان، به وابستگی بیشتر خود به فرانسه و انگلیس و آمریکا و یا شوروی افتخار میکردند و از سمبلهای اسلامی میگریختند؛ و امروز همه چیز برعکس شده است.

#### خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی / ۱۳۹۰/۱۱/۱۲

و اما کلام آخر؛ اعلام آمادگی جمهوری اسلامی و ملت بزرگ ایران برای همکاری و خدمت به شمامست، و خدمت ما و شما به همدیگر. انقلاب اسلامی ایران موفق‌ترین تجربه‌ی اسلامی عصر جدید بود در عرصه‌ی خودباوری ملتها و مردم‌باوری نخبگان، در عرصه‌ی نفی اسطوره‌ی شکست‌ناپذیری رژیمهای طاغوتی و اربابشان، در عرصه‌ی شکستن غرور کمونیسم و سرمایه‌داری، ارائه مدلهای کارآمد در پیشرفتهای بزرگ کشور، با حفظ مردم‌سالاری و دفاع از ارزشهای اساسی.

#### بیانات در دیدار مردم آذربایجان / ۱۳۹۰/۱۱/۲۶

ملت ایران امسال احساس کرد که کشورش، نظامش، اسلام عزیزش به این حضور احتیاج دارد. یک جبهه‌ی دشمن عنود شریر که همه‌ی دستگاه‌های ارتباطی دنیا و رسانه‌های دنیا در مشقت اوست و بسیاری از سیاستمداران دنیای غرب دست‌نشانده‌ی این جبهه‌ی شریر هستند، یعنی جبهه‌ی سرمایه‌داران، کارتل‌داران، تراست‌داران، کمپانی‌داران بزرگ، سرمایه‌داران خونخوار و صهیونیستها، شبکه‌ی صهیونیست جهانی که اغلب رسانه‌های دنیا و رسانه‌های فوق مدرن امروز مثل این کانالهای تلویزیونی و بیشتر از همه کانالهای اینترنتی در اختیار اینهاست؛ متعلق به آنهاست. اینها از مدتها قبل، از ماه‌ها قبل تبلیغات خود را روی این نقطه متمرکز کردند که ملت ایران نسبت به نظام، نسبت به اسلام، نسبت به هدفهای اعلام شده، سست شده است. این را هی تبلیغ کردند و به طور مداوم در بوقهای تبلیغاتی خودشان این حمله را تشدید کردند که به ملت عزیز ما بیاوراند این دروغ بزرگ را. هدف چی بود؟ هدف این بود که عملاً ملت شجاع ایران، ملت مومن ایران، ملت امتحان‌داده‌ی ایران در عرصه‌های سخت و بزرگ، سست بشود. وقتی ملت سست شد، کشور بی‌دفاع میشود؛ وقتی ملت در صحنه نبود، مسئولین

تنها میمانند. هیچ مجموعه‌ی سیاسی‌ای در دنیا بدون پشتوانه‌ی ملتهای خودشان نمیتوانند کار کنند، پیش بروند. اینها این عرض را داشتند. روی خصوص بیست و دوک بهمین هم تکیه کردند، انواع و اقسام حیل‌های تبلیغاتی را به کار بردند تا شاید بتوانند این صحنه‌ی حضور را خلوت کنند، خاموش کنند، بی‌رونی کنند؛ مردم این را فهمیدند. آنچه که انسان را به اعجاب وادار میکند، آنچه که انسان را در مقابل عظمت این ملت کوچک میکند که چقدر این ملت با عظمت است، همین بصیرت و موقع‌شناسی ملت ایران است.

#### بیانات در دیدار دانشجویان / ۱۳۹۱/۰۵/۱۶

یک نکته‌ی دیگری که در بیانات بود، مسئله‌ی توجه به روستاها و دیدن واقعیت و نگاه اقتصادی عدالت‌محور بود. من به نکته‌ای توجه کردم، که این برای همه‌ی ما درس‌آموز است؛ هم برای شما، هم برای من. این جوان محترمی که آمدند راجع به مسئله‌ی نگاه اقتصادی عدالت‌محور مطالبی را گفتند، معرفی‌ای که کردند، ایشان جزو مجموعه‌ی اردوهای جهادی هستند. خوب، قضیه روشن شد. وقتی کسی جزو اردوهای جهادی است، به مناطق محروم سرکشی میکند، واقعیت‌ها را به چشم می‌بیند، طبعاً تفکر پیگیری اقتصاد عدالت‌محور در او اینجور زنده میشود؛ این برای همه‌ی ما درس است. باید با قشرهای مختلف جامعه مرتبط شد تا مسائل آنها را لمس کرد؛ این در تصمیم‌گیری ما، در نگاه ما به مسائل گوناگون کشور اثر می‌گذارد.

البته اعتقاد خود من این است که نگاه اقتصادی در کشور باید عدالت‌محور باشد، و این منافاتی ندارد با آنچه که ما در سیاست‌های اصل ۴۴ بیان کردیم، که یکی از دوستان هم اینجا ذکر کردند. سیاست‌های اصل ۴۴ آنجور که ما گفتیم، ما خواستیم و تشریح کردیم - و من در همین حسینی، در همان اوقات یک صحبت مفصلی در این زمینه با مجموعه‌ی مرتبط با این کار کردم - به هیچ‌وجه با اقتصاد عدالت‌محور منافاتی ندارد؛ یعنی مطلقاً به سرمایه‌داری به آن معنای بد منتهی نخواهد شد. البته به شما عرض بکنم؛ آنچه که در دنیا به عنوان نظام سرمایه‌داری وجود دارد، حقیقت و جوهره‌اش سرمایه‌سالاری است. نفس داشتن سرمایه و به کار انداختن سرمایه برای پیشرفت کشور، چیز بدی نیست؛ چیز ممدوحی است؛ به هیچ‌وجه مذموم نیست. آنچه که مذموم است، این است که سرمایه و سرمایه‌داری محور همه‌ی تصمیم‌های کلان یک کشور و یک جامعه باشد؛ همه چیز را به سمت خودش بکشد؛ همان بلائی که بر سر بلوک سرمایه‌داری و بلوک غرب آمد، که امروز دارند نتایجش را درو میکنند. این حوادثی که امروز در اروپاست، این فشارهای سنگین اقتصادی که دارد به مردم وارد می‌آید، اینها ناشی از ذات نظام سرمایه‌سالاری است؛ همان سرمایه‌داری زالوصفت است، همان سرمایه‌داری مذموم است. اما اینکه نه، کسانی دارای سرمایه باشند، سرمایه را در خدمت رشد جامعه بگذارند - البته سرمایه‌دار سود هم خواهد برد؛ هم آن کار خوب است، هم آن سود حلال است - هیچ اشکالی ندارد. کار اگر چنانچه با ضابطه‌ی صحیح انجام بگیرد - که نگاه عدالت‌محور اسلام معطوف به این معناست - هیچ اشکالی ندارد. بنابراین کلمه‌ی «سرمایه» و کلمه‌ی «سرمایه‌دار» به هیچ‌وجه چیز مذمومی نیست.

سعی کنیم نگاه سوسیالیستی و مارکسیستی بر تفکر اقتصادی ما غلبه پیدا نکند. آنها نگاهشان نگاه دیگری است. در نظام سوسیالیستی، نفس سرمایه محکوم است؛ در نظام اسلامی به هیچ‌وجه اینجوری نیست؛ سرمایه محکوم نیست، سو استفاده‌ی از سرمایه محکوم است. نمیشود هم کسی بگوید آقا سرمایه طبیعتش سو استفاده است. نخیر، اینجوری نیست. میتوان با مقررات درست، با مدیریت صحیح، سرمایه را در جهت درستی هدایت کرد و راه برد. بنابراین آنچه که ما در سیاست‌های اصل ۴۴ مطرح کردیم، به هیچ‌وجه با اقتصاد عدالت‌محور منافاتی ندارد؛ بلکه به یک معنا مکمل و متمم آن است.

#### بیانات در اجتماع مردم اسفراين / ۱۳۹۱/۰۷/۲۲

یک شاخص دیگر برای پیشرفت، عدالت است. اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، این به نظر ما و با منطق اسلام پیشرفت نیست. امروز در بسیاری از کشورها علم پیشرفت کرده است، صنعت پیشرفت کرده است، شیوه‌های گوناگون زندگی پیشرفت کرده است، اما فاصله‌ی طبقاتی عمیق‌تر و شکاف طبقاتی بیشتر شده است؛ این پیشرفت نیست؛ این پیشرفت سطحی و ظاهری و بادکنکی است. وقتی که در یک کشوری، جمعیت معدودی بیشترین بهره‌ی مادی را از آن کشور میبرند و در همان کشور، در خیابانها مردم از سرما و گرما میمیرند، عدالت اینقدر نامفهوم و غیر عملی در آن کشور است. در خیرهای جهانی میخوانیم که در فصل تابستان در شهرهای ایالت‌های مختلف آمریکا، افرادی از گرما میمیرند؛ خوب، چرا کسی از گرما بمیرد؟ این غیر از این است که سرپناه ندارند، خانه ندارند، جا ندارند؟ آمریکا همان کشوری است که ثروتمندترین آدمهای دنیا و گردن‌کلفت‌ترین شرکتها و کارتها و تراستهای دنیا در آن کشور هستند؛ بیشترین سود تجارتهای سلاح در آن کشور است؛ اما در کشوری که آن ثروتهای افسانه‌ای وجود دارد، عده‌ای در تابستان از گرما، و در زمستان از سرما جان میدهند و میمیرند! این معنایش عدم وجود عدالت است. حالا در فیلمهای سینمایی و ادعاهای افسانه‌ای و داستانی، شکل‌هایی از عدالت را نمایش میدهند؛ خوب، این با واقعیت فاصله‌اش بسیار زیاد است. در کشورهایی که با شیوه‌ی اقتصادی سرمایه‌داری اداره میشوند و نام لیبرالیسم - آزادگرایی - را روی خودشان گذاشته‌اند، یک چنین بدبختی‌هایی وجود دارد؛ در آنجا واقعیت زندگی این است.

ما اگر بخواهیم پیشرفت کنیم، در درجه‌ی اول، یکی از شاخصهای مهم، عدالت است. ادعای بنده این است که ما در این زمینه پیشرفت کرده‌ایم؛ البته نه به قدری که میخواهیم. اگر خودمان را با وضع قبل از انقلاب مقایسه کنیم، پیشرفت کرده‌ایم؛ اگر خودمان را با بسیاری از کشورهای دیگر که با نظامهای گوناگون زندگی میکنند، مقایسه کنیم، بله پیشرفت کرده‌ایم؛ اما اگر خودمان را مقایسه کنیم با آنچه که اسلام به ما گفته است و از ما خواسته است، نه، ما هنوز خیلی فاصله داریم و باید تلاش کنیم. این تلاش به عهده‌ی کیست؟ این تلاش به عهده‌ی مسئولان و مردم - با هم - است.

بله، ما از لحاظ توزیع منابع عمومی به همه‌ی مناطق کشور، پیشرفت کرده‌ایم. یک روزی بود که بیشترین منابع این کشور در مناطق مخصوصی که تعلق خاصی داشت به قدرتمندان آن روز و به دربار آن روز، صرف میشد؛ بسیاری از استانها و شهرها هم از منابع عمومی کشور هیچ حظ و بهره‌ای نداشتند. قبل از انقلاب، یکی از استانهای بزرگ این کشور - که البته نمیخواهم اسم بیاورم؛ قبلاً یک وقتی گفتم - پنج فرودگاه اختصاصی در پنج نقطه‌ی استان داشت، که متعلق بود به وابستگیان به دربار شاه؛ اما یک فرودگاه عمومی در آن استان وجود نداشت؛ یعنی مردم برای استفاده‌ی از فرودگاه و هواپیما و رفت‌وآمد هوایی، هیچ امکانی نداشتند؛ در حالی که در همان استان، پنج فرودگاه برای اشخاص خاص وجود داشت؛ این بی‌عدالتی بود. امروز وقتی نگاه میکنیم، می‌بینیم از لحاظ خدمات، از لحاظ جاده‌سازی، از لحاظ ساختن بزرگراه‌ها و آزادراه‌ها و جاده‌های راحت، سرتاسر کشور برخوردارند. از لحاظ گسترش تحصیل علم، در سرتاسر کشور این امتیاز و این امکان وجود دارد. همان طور که اشاره کردم، مناطق متعددی از کشور در آن روز، حتی شهرها، از لحاظ دبیرستان در مضیقه بودند. بنده در استان سیستان و بلوچستان تبعید بودم؛ اوضاع را آنجا میدیدم. از لحاظ دبیرستان، بسیاری از شهرهای آن استان در مضیقه بودند. یک مرکز نیم‌بند ضعیف درجه‌ی سوم چهارم دانشگاهی در کل آن استان وجود داشت. امروز شما وقتی در آن استان و بقیه‌ی استانها نگاه کنید، می‌بینید در همه‌ی شهرها دانشگاه وجود دارد؛ یعنی امکان تحصیل. خوب، این عدالت است. این معنایش این است که امکان تحصیل علم توزیع شده است بین مناطق گوناگون کشور؛ امکانات مادی کشور، منابع مالی، علم توزیع شده است؛ این بسیار چیز خوبی است. در گذشته، نخبان شهرهای دوردست و کسانی که دارای استعداد بودند، امکان بروز و ظهور نداشتند؛ امروز چرا، امکان بروز و ظهور دارند. در اسفراين و هر نقطه‌ی دیگری، وقتی انسان با استعدادی حضور داشته باشد و بتواند نخبگی خودش را نشان دهد، دستگاه‌های گوناگون کشور از او استقبال میکنند، او را گرامی میدارند و از امکان او استفاده میکنند. در گذشته اینجور نبود. بنابراین نسبت به گذشته، مطمئناً این شاخص پیشرفت - که شاخص عدالت است - برجسته است؛ اما نسبت به آنچه که ما از اسلام فهمیدیم و شناختیم، نه، ما هنوز عقیم؛ باید تلاش کنیم و کار کنیم.

#### بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی / ۱۳۹۱/۰۷/۲۲

چند تا فیلسوف‌نمای غربی عنوان «ایدئولوژی‌زدانی» را مطرح کردند. می‌بینید گاهی در بعضی از این مقالات روشنفکری، عنوان «ایدئولوژی‌زدانی» مطرح میشود؛ آقا جامعه را با ایدئولوژی نمیشود اداره کرد. چند تا فیلسوف یا فیلسوف‌نمای غربی این را گفته‌اند؛ یک عده‌ای هم اینجا طوطی‌وار، بدون اینکه عمق این حرف را

درک کنند، بدون اینکه ابعاد این حرف را بفهمند چیست، همان را تکرار کردند، باز هم تکرار میکنند. هیچ ملتی که داعیه تمدن‌سازی دارد، بدون ایدئولوژی نمیتواند حرکت کند و تا امروز حرکت نکرده است. هیچ ملتی بدون دارا بودن یک فکر و یک ایدئولوژی و یک مکتب نمیتواند تمدن‌سازی کند. همین‌هاست که امروز شما ملاحظه میکنید در دنیا تمدن مادی را به وجود آورده‌اند، اینها با ایدئولوژی وارد شدند؛ صریح هم گفتند؛ گفتند ما کمونیستیم، گفتند ما کاپیتالیستیم، گفتند ما به اقتصاد سرمایه‌داری اعتقاد داریم؛ مطرح کردند، به آن اعتقاد ورزیدند، دنبالش کار کردند؛ البته زحماتی هم متحمل شدند، هزینه‌های هم بر دوش آنها گذاشته شد. بدون داشتن یک مکتب، بدون داشتن یک فکر و یک ایمان، و بدون تلاش برای آن و پرداختن هزینه‌های آن، تمدن‌سازی امکان ندارد.

### بیانات در دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور / ۱۳۹۳/۰۲/۰۷

استحکام کار را خدا از ما خواسته است، احترام به کارگر را هم خدا از ما خواسته است؛ امنیت زندگی و شغلی کارگر را خدا از ما خواسته است، امنیت سرمایه را هم خدا از ما خواسته است.

اینها وقتی در کنار هم مورد ملاحظه قرار بگیرند، این افراط و تفریط‌هایی که با نام‌های گوناگون به وجود آمد، چه در منطقه‌ی فعالیت اقتصاد لیبرال و به قول خودشان آزاد - آزاد یعنی آزاد برای سرمایه‌دار، اما زندان و حبس و فشار برای طبقه‌ی مظلوم و فقیر؛ که امروز شما دارید در اروپا واکنشها و بازخوردهایش را ملاحظه میکنید - و چه در عرصه‌ی سوسیالیسم، به وجود نمی‌آید. بزرگترین دلیل بر غلط بودن اقتصاد به اصطلاح لیبرال همین حوادثی است که امروز در اروپا و به شکل دیگری در آمریکا وجود دارد. در میدان عمل و در عرصه‌ی تجربه، اقتصاد سرمایه‌داری نشان داد که غلط است، ناکام است؛ حتی به سود خود آن طبقاتی که این اقتصاد برای حمایت از آنها به وجود آمد، نیست. حالا طبقه‌ی کارگر که سالهایتمادی در آنجاها لگدمال میشد، اما حتی به سود خود سرمایه‌دار و بانکدار و صاحبان کارتلها و تراستها هم نیست؛ و این هنوز اول کار است، بعد از این بدتر هم خواهد شد. هی وعده میدهند که درستش میکنیم؛ نخواهند توانست درست کنند. این راه، راه سراسیمه‌ی لغزان است؛ دارند می‌روند پائین، و این یک بخشی از تزلزل تمدن مادی و غلط غرب است؛ بخش اخلاقی و اعتقادی و نظری و فکری‌شان هم که جدا است. اینها برای ما تجربه است. آن بخش عرصه‌ی سوسیالیسم و اینها هم که خب، سالها پیش ناتوانی و ناکامی‌اش ظاهر شد.

### بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۳/۰۲/۱۲

ما نقشه‌ی راه داریم. نقشه‌ی راه ما چیست؟ نقشه‌ی راه ما همان اصول امام بزرگوار ما است؛ آن اصولی که با تکیه بر آن توانست آن ملت عقب‌افتاده‌ی سرافکننده را تبدیل کند به این ملت پیشرو و سرافراز. این اصول، اصولی است که در ادامه‌ی راه هم به درد ما می‌خورد و نقشه‌ی راه ما را تشکیل میدهد. (...)

در اقتصاد، اصول امام تکیه به اقتصاد ملی است؛ تکیه به خودکفایی است؛ عدالت اقتصادی در تولید و توزیع است؛ دفاع از طبقات محروم است؛ مقابله‌ی با فرهنگ سرمایه‌داری و احترام به مالکیت است - اینها در کنار هم - امام فرهنگ ظالمانه‌ی سرمایه‌داری را رد میکند، اما احترام به مالکیت، احترام به سرمایه، احترام به کار را مورد تأکید قرار میدهد؛ همچنین هضم نشدن در اقتصاد جهانی؛ استقلال در اقتصاد ملی؛ اینها اصول امام در زمینه‌ی اقتصاد است؛ اینها چیزهایی است که در فرمایشات امام واضح است.

### بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۳/۰۲/۱۲

در کجای دنیا به نامزدهای گوناگون، از آن چهره‌های معروف تا چهره‌های گمنام، اجازه داده میشود که به طور مساوی از رسانه‌های ملی و دولتی کشور استفاده کنند؟ کجای دنیا چنین چیزی هست؟ در آمریکا هست؟ در کشورهای سرمایه‌داری هست؟ در کشورهای سرمایه‌داری اگر چنانچه عضو این دو حزب یا سه حزب بودند و پشتیبانی سرمایه‌دارها و کارخانه‌دارها و پولدارها و مافیاهای ثروت و قدرت را با خودشان داشتند، میتوانند تبلیغات کنند؛ اما اگر نداشتند، اصلاً نمیتوانند تبلیغات کنند. هر کسی که انتخابات آمریکا را دنبال کرده باشد - بنده دنبال کرده‌ام - این را تصدیق میکند. افرادی بوده‌اند که مورد حمایت صهیونیستها نبوده‌اند، مورد حمایت شبکه‌ی سرمایه‌داری خونخوار بین‌المللی نبوده‌اند، هر کاری کردند، نتوانستند وارد میدان انتخابات شوند؛ نه رسانه‌های در اختیار آنها بوده، نه تلویزیونی در اختیار آنها بوده؛ برای هر ثانیه باید چقدرها خرج کنند. در کشور ما نامزدهای نمایندگی به طور مساوی و برابر، بدون خرج کردن یک ریال، می‌نشینند آنجا، ساعت‌های متمادی، با برنامه‌های گوناگون، با مردم حرف می‌زنند؛ کجا چنین چیزی در دنیا وجود دارد؟

### بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی / ۱۳۹۳/۱۲/۲۰

گرایش به اقتصاد مقاومتی مخصوص ما هم نیست؛ امروز در بسیاری از کشورها - بخصوص در این سالهای اخیر - با تکان‌های شدید اقتصادی که در دنیا به وجود آمد، کشورهای متعددی به دنبال مقاومت‌سازی اقتصاد خودشان برآمدند؛ البته هر کشوری شرایط خاص خودش را دارد. این اقتصاد سرمایه‌داری با مشکلاتی که ناشی از این اقتصاد بود، از غرب و از آمریکا سرریز شد به بسیاری از کشورها؛ و اقتصاد جهانی در مجموع، یک کل مرتبط به یکدیگر است، طبعاً کشورها از این مشکلات کم‌وبیش متأثر شدند؛ بعضی بیشتر، بعضی کمتر. بنابراین خیلی از کشورها در صدد برآمدند که اقتصاد خودشان را مقاومت‌سازی کنند؛ به تعبیری همین اقتصاد مقاومتی را به شکل متناسب با کشورهایشان برنامه‌ریزی کنند، تحقق ببخشند. به نظر من احتیاج ما به اقتصاد مقاومتی بیش از کشورهای دیگر است؛ ما بیشتر احتیاج داریم که اقتصاد خودمان را مقاومت‌سازی کنیم. اولاً به همان دلیل مشترک بین ما و دیگر کشورها؛ ما با اقتصاد جهانی مرتبطیم، بنا بر همین ارتباط هم داریم، ما قصد جداسدن و منعزل شدن از اقتصاد جهانی را به هیچ‌وجه نداریم و در شرایط کنونی دنیا نمیتوان هم داشت؛ بنابراین متأثر میشویم از آنچه در دنیا در اقتصادهای جهانی اتفاق می‌افتد. ثانیاً خصوصیتی است که ما داریم؛ ما به خاطر استقلال‌مان، به خاطر عزت‌مداری‌مان، به خاطر اصرارمان بر تحت تأثیر سیاست‌های قدرتها قرار نرفتن، مورد تهاجم و سو نیت هم قرار داریم؛ یعنی نسبت به ما - همچنان که در شرایط کنونی مشاهده میکنید - انگیزه‌های مخالفت و اخلاگری و اشکال‌تراشی و ایجاد مشکل، بیش از بسیاری از کشورهای دیگر است. بنابراین ما بیشتر بایستی اتمام‌بوریم به اینکه پایه‌های اقتصاد را محکم کنیم و اقتصادمان را مقاومت‌سازی کنیم؛ نگذاریم وضعیتی وجود داشته باشد که یا حوادث و تکان‌های ناگزیر و یا سونیت‌ها بتواند در اقتصاد ما اثر بگذارد. بنابراین ما به این نیاز داریم.

### بیانات در حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۳/۰۱/۰۱

اقتصاد مقاومتی، عدالت‌محور است؛ یعنی تنها به شاخصهای اقتصاد سرمایه‌داری - [مثل] رشد ملی، تولید ناخالص ملی - اکتفا نمیکند؛ بحث اینها نیست که بگویم رشد ملی اینقدر زیاد شد، یا تولید ناخالص ملی اینقدر زیاد شد؛ که در شاخصهای جهانی و در اقتصاد سرمایه‌داری مشاهده میکنید. در حالی که تولید ناخالص ملی یک کشوری خیلی هم بالا می‌رود، اما کسانی هم در آن کشور از گرسنگی می‌میرند؛ این را ما قبول نداریم. بنابراین شاخص عدالت - عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه - یکی از شاخصهای مهم در اقتصاد مقاومتی است، اما معنای آن این نیست که به شاخصهای علمی موجود دنیا هم بی‌اعتنایی بشود؛ نخیر، به آن شاخصها هم توجه میشود، اما بر محور «عدالت» هم کار میشود. عدالت در این بیان و در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملی را افزایش دادن است.

### بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی / ۱۳۹۳/۱۰/۱۹

مصلحت دشمن این است که ما را از هم جدا کند، به یک کشور حمله کند، از کشور دیگری پارگیری کند؛ مصلحت دشمن در این است، ما نباید بگذاریم. دشمن

کیست؟ دشمن، سرمایه‌داری آمریکا و استکبار جهانی است که امروز در راس آن، آمریکا و صهیونیست‌ها - عناصر صهیونیست - که دولت صهیونیست در فلسطین اشغالی هم یک بخشی از آن مجموعه خطرناک و آن سرطان مهلکی است که صهیونیست‌ها در دنیا به‌وجود آوردند.

#### بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام / ۱۳۹۷/۱۲/۰۷

من تکیه میکنم در این برهه‌ی از زمان روی مسئله‌ی خانواده تکیه کنید. دشمن -نه دشمن ایران یا دشمن انقلاب؛ دشمن بشریت- تصمیم گرفته که نظام خانواده را در بین بشر از بین ببرد. خانواده سنت الهی است. دشمن بشریت یعنی جریان سرمایه‌داری بین‌المللی و صهیونیسم تقریباً از حدود صد سال پیش تصمیم گرفتند که خانواده را در بین بشر از بین ببرند؛ و یک جاهایی موفق شدند. در آن جاهایی که از خدا دور بودند موفق شدند، در یک جاهایی هم از جمله در ایران اسلامی ما موفق نشدند اما دارند تلاش میکنند. این ازدواج‌های سخت، این ازدواج‌های دیر، این فرزندآوری کم، این به تعبیر غلط زشتشان «ازدواج‌های سفید» -که سیاه‌ترین نوع زندگی مزدوج است- همه‌ی اینها به خاطر این است که خانواده از بین برود.

#### بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۸/۰۱/۰۱

الان در کشور، هم در سطوح دولتی، هم در سطوح تحقیقاتی و دانشگاهی، مطالعات وسیعی شروع شده است برای اینکه ما چگونه بتوانیم کشور را با درآمدهای غیرنفتی اداره کنیم؛ این خیلی چیز مهم و خوبی است. آن وقتی که درآمد نفتی به صورت فراوان در اختیار باشد، نه مسئولین دولتی و نه دیگران طبعاً به این فکر نمی‌افتند. شبیه این را ما به طور محسوس و عینی در باب امکانات دفاعی کشور امتحان کردیم. در سالهای دفاع مقدس، جنگی که بر ما تحمیل شد، قدرتهای مادی شرق و غرب، یعنی هم قدرتهای مادی سرمایه‌داری، و هم قدرتهای مادی سوسیالیستی و کمونیستی، بهترین امکانات جنگی را در اختیار صدام قرار دادند ولی دست ما بسته بود. به ما حتی -آن طوری که مشهور شد و همه دانستند- سیم خاردار هم نمی‌فروختند؛ البته سخت بود اما همین سختی موجب شد که جوانهای ما، صاحبان فکر، صاحبان استعداد و ابتکار به فکر بیفتند، وضع وابستگی ما را به سلاح بیگانه تغییر بدهند. امروز وضعیت ما به لطف الهی از لحاظ امکانات دفاعی تقریباً از همه‌ی کشورهای این منطقه بهتر و بالاتر است؛ دشمنهای ما هم روی این دارند تکیه میکنند، آنها هم اعتراف میکنند، برای اینکه این را وسیله‌ی فشاری قرار بدهند؛ که البته وسیله‌ی فشار قرار نخواهد گرفت.

#### بیانات در ابتدای درس خارج فقه / ۱۳۹۸/۰۴/۲۶

از بیگانگان، به نفع جمهوری اسلامی که راه نوپی را در دنیا به وجود آورده است، تمییز امید کمک داشت. جمهوری اسلامی حرف جدیدی را در دنیا دارد مطرح میکند؛ متمسکین به نظام پوسیده‌ی سرمایه‌داری غربی ممکن نیست که از این ندای جدید، از این حرف جدید، از این راه جدید استقبال کنند و به آن کمک کنند؛ امکان ندارد. هر چه بتوانند دشمنی میکنند و کرده‌اند؛ البته نمیتوانند، دشمنی‌شان به جایی هم نمیرسد؛ بخصوص آنهایی که دشمنی‌شان واضح است، مثل آمریکا. به حول و قوه‌ی الهی ما پیروز شدیم، بعد از این هم پیروز خواهیم شد.

#### بیانات در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت / ۱۳۹۹/۰۴/۰۲

خب تمدن غربی الگوهای مدیریت و جامعه‌سازی و نظام‌سازی و حکومت را به میدان آورد و نشان داد؛ هم کمونیسم یک جور -سوسیالیسم و کمونیسم انواع و اقسام سوسیالیسم‌هایی که دولت‌های مختلف به شکل آنها به وجود آمدند- و سرمایه‌داری و به‌اصطلاح لیبرالیسم و مانند اینها هم یک جور دیگر؛ اینها فراورده‌های غرب است و این فراورده‌ها شکست خورده؛ امروز این محصولات تمدن غربی در مدیریت جامعه و مدیریت بشر شکست خورده است. آن یکی که جمع شد، این یکی هم خیمه و خرگاهش (۵) در حال اغتشاش و نابسامانی است که دارید مشاهده میکنید. قلعه باشکوه این الگوی غربی سرمایه‌داری، آمریکا است که وضعیت آن را مشاهده میکنید که به معنای واقعی کلمه یک الگوی شکست‌خورده است. بیشتر از همه جا در آمریکا ارزشهای بشری دارد لگدمال میشود. با این نظام‌های حکومتی، بایستی ارزشها را زنده کنید؛ حالا ارزشهای دینی به کنار، ارزشهای معنوی که آنها به آن توجه هم ندارند، احساس هم نمیکند آنها را، به کنار؛ ارزشهای بشری، ارزشهایی که عقلاهای بشر آنها را میفهمد، [یعنی] مسئله‌ی امنیت، مسئله‌ی سلامت، مسئله‌ی عدالت، اینها دارد بکلی در این الگوی مسلط غربی بیش از همه جا لگدمال میشود.

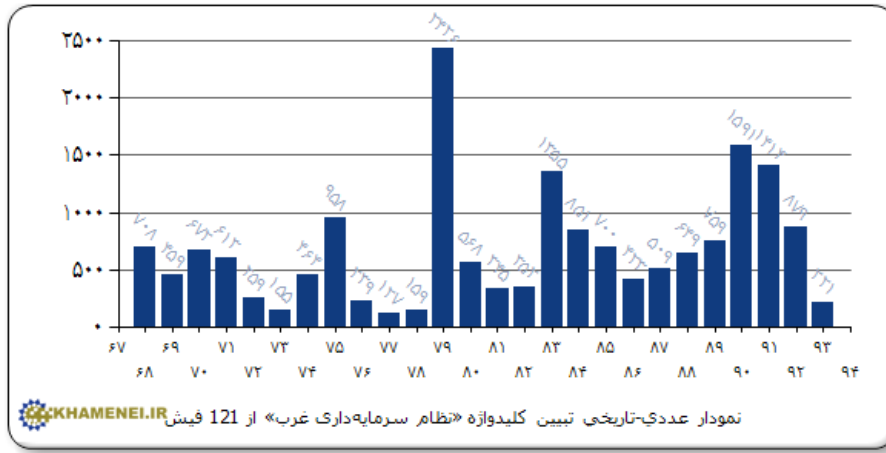
#### سخنرانی تلویزیونی به مناسبت روز جهانی قدس / ۱۴۰۰/۰۲/۱۷

ماجرای فلسطین، همچنان مهم‌ترین و زنده‌ترین مسئله‌ی مشترک امت اسلامی است. سیاستهای نظام سرمایه‌داری ظالم و سفاک، دست یک ملت را از خانه‌ی خود، از میهن و خاک آبا و اجدادی خود کوتاه کرده و در آن، رژیم تروزیست و مردمی بیگانه را نشانده است. سست‌تر و بی‌پایه‌تر از منطق پوشالی تاسیس رژیم صهیونیستی چیست؟ اروپایی‌ها بنا بر ادعای خود، به یهودیان در سالهای جنگ جهانی دوم ظلم کرده‌اند، پس باید با آواره کردن ملتی در غرب آسیا و کشتارهای فجیع در آن کشور انتقام یهودیان را گرفت!... این منطقی است که دولت‌های غربی با حمایت بی‌دریغ و دیوانه‌وار خود از رژیم صهیونیستی به آن تکیه کرده و بدین‌گونه، همه‌ی ادعاهای دروغین خود در باب حقوق بشر و دموکراسی را تخطئه کرده‌اند. و این ماجرای خنده‌آور و گریه‌آور بیش از هفتاد سال است که ادامه دارد و هر از چندی برگ دیگری بر آن افزوده میشود.

#### بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکلهای دانشجویی / ۱۴۰۰/۰۲/۲۱

بعضی از آرمانها، آرمانهای کلان نظام جمهوری اسلامی‌اند، آرمانهای بلندمدت و میان‌مدت هستند و البته آرمانهای اساسی هستند که باید به آنها توجه کرد؛ مثل تشکیل جامعه‌ی اسلامی یا استقرار عدالت اجتماعی یا مسئله‌ی استقلال، مسئله‌ی آزادی و مانند اینها؛ اینها آن آرمانهای اساسی است. بعضی از این آرمانها در سطوح خردتری هستند و در واقع اجزای تشکیل آن آرمانهای سطح بالا محسوب میشوند؛ مثل مثلاً فرض کنید پیشرفت علمی؛ یک آرمان است -یکی از آرمانهای ما قطعاً پیشرفت علمی است- منتها جزئی از مجموعه‌ای است که جامعه‌ی اسلامی را تشکیل خواهد داد یا استقلال ما را مثلاً تشکیل خواهد داد. یا فرض کنید که اقتدار در سیاست خارجی که به معنای بیرون نگه داشتن کشور و نظام سیاسی از شبکه‌ی اقماری قدرتهای مستکبر و نظام سلطه است -اقتدار در سیاست خارجی به این معنا است که در اول انقلاب در شعار «نه شرقی، نه غربی» متبلور بود که آن روز یک ابرقدرت شرقی داشتیم که نظام کمونیست و جامعه‌ی کمونیستی دنیا بود، و یک نظام سرمایه‌داری؛ شعار این بود که جمهوری اسلامی بایستی خودش را از ورود در شبکه‌ی اقماری این قدرتهای بزرگ حفظ کند و حفظ هم کرد بحمدالله- خب این هم یک آرمانی است؛ بایستی این آرمان حفظ بشود و دنبال بشود و تعقیب بشود و روزبه‌روز برتر بشود. یا خودکفائی اقتصادی که در واقع یکی از آرمانهای خرد نسبت به آن آرمانهای عمده است.





**مقالات مرتبط با کلیدواژه «نظام سرمایه‌داری غرب» :**

نقدی بر اهداف نظام سرمایه‌داری از دیدگاه اسلام / نویسنده : سیدحسین میرمعزی / ۱۳۷۸/۰۴/۰۱

نقدی بر دیدگاه سرمایه‌داری درباره انسان اقتصادی / نویسنده : سیدرضا حسینی / ۱۳۷۸/۰۴/۰۱

آزادی اقتصادی انسان‌محور بر اساس آموزه‌های اسلامی / نویسنده : احمدعلی یوسفی / ۱۳۹۱/۰۸/۲۲